وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال سوم شمارهٔ ۳۳ چهارشنبه ۱۱ قوس ۱۳۸۳ ۱۹ شوال المکرم ۱۴۲۵ - ۱ December ۲۰۰۴

سرمقاله

قدر دانی از قهرمانان جهاد و مقاومت و راهکار قانونی عضویت در کابینه
ص۲

آنچه در برابر حکومت آینده قرار دارد
ص۵

موقف اسلام در برابر استبداد
ص۷

ستر جنرال محمد اسماعیل خان در دیدار با برخی از اعضای جمعیت و تعدادی از شهروندان کابل:

آرمان شهدای ملت ما از طریق نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی باید تحقق یابد

ستر جنرال محمد اسماعیل خان در ضیافتی که شام یکشنبه هشتم قوس به افتخار شان از طرف جمعیت اسلامی افغانستان در هتل زنبق طلایی ترتیب یافته بود، اشتراک ورزید و با اعضای بلند پایهٔ این حزب، شخصیت های فرهنگی وجهادی وعده یی از شهریان کابل دیدار نمود.

در این ضیافت پوهنمل سید عنایت الله شاداب رئیس دار الإنشای جمعیت اسلامی افغانستان به نماینده گی از حاضران، تشریف آوری آقای محمد اسماعیل خان را خیر مقدم گفت وعلاوه نمود که ما به وجود شخصیت والای جهادی امیر محمد اسماعیل خان افتخار داریم وهدف گرد هم آیی ما هم دیدار برادران با جناب ایشان می باشد.

اوهم چنان از والی پیشین هرات ابراز سپاس وامتنان نمود که همیشه در راه تحقق آرمان های جهاد ومقاومت به حیث یک مجاهد فدا کار در صف اول قرار داشته است.

متعاقباً، ستر جنرال محمد اسماعیل خان والی پیشین هرات طی سخنانی گفت : نهایت خوشحالم که امشب در جمع شما برادران وخواهران هم فکر وهم اندیشهٔ خود در مرکز کشور قرار دارم و خداوند را سپاس می گویم که در لحظات حساس تعیین سرنوشت کشور آزمون بزرگ انتخابات را به صورت سالم ودر فضای صلح وامنیت به همت ملت مجاهد ومسلمان افغانستان پشت سر گذاشتیم ونظام دلخواه ما که جمهوری اسلامی می باشد به برکت شمشیر وقلم در کشور ما حکم فرما خواهد شد.

این دستاورد از همت شما شیر مردان وخواهران که یک دورهٔ طولانی را در بزرگ ترین فراز ونشیب ها در دفع لشکر کشی ها وتوطئه ها گذرانده اید می باشد. ص۸



سال چهارم موافقت نامهٔ ترتیبات موقت (بن) و سوال اجرا و تطبیق آن

ص۲

مصوبهٔ شورای سراسری علمای افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

شورای سراسری علمای افغانستان در جلسهٔ منعقدهٔ تاریخی ۵ قوس ۱۳۸۳ خویش مطالب ذیل را به اتفاق آرا به تصویب رسانید:

۱. اول تر از همه انتخاب جلالت مآب حامد کرزی را به حیث رئیس منتخب دولت جمهوری اسلامی افغانستان تبریک و تهنیت می گوییم. و از خداوند بزرگ استدعا داریم تا در راستای خدمت به دین ، ملت و وطن، و در ادای این امانت بزرگ اسلامی و ملی ، موفق و کامگار باشند.

۲. از آنجایی که کشور ما یک کشور اسلامی، و ملت ما یک ملت مسلمان، و به اساس حکم شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم و قانون اساسی کشور، دولت و حکومت ما اسلامی می باشد، و برای دفاع از حریم مقدس اسلام، و حفظ آزادی کشور، در طول جهاد برحق، قربانی های بی شمار ملت مسلمان و مجاهد ما فراموش ناشدنی است، لهذا شورای علمای سراسری افغانستان احترامانه تقاضا می نماید تا در کابینهٔ آیندهٔ جمهوری اسلامی افغانستان، و همچنان در پست های کلیدی مرکز و ولایات، و نمایندگی های خارجی افغانستان ، رجال و شخصیت هایی به وظایف گماشته شوند که از صفات دیانت و تدین، تقوا و امانت ، تخصص و شایستگی در کار، و نفوذ و محبوبیت ملی برخوردار باشند. که بتوانند پاسخگوی اهداف و آرمان شهدا و معلولان، بیوه ها و یتیمان و عموم ملت متدین افغانستان باشند.. ص۶

افغانان له خپلو عقیدوي او فرهنګي ارزښتونو څخه دفاع کوی

د لیندي د میاشتي په ۷ نیټه د ننګرهار ولایت د بتي کوټ ولسوالي هغه څلور تنه چي یوه ښځه هم په کي شامله وه او دنړیوال ائتلاف دخواکونو له خوا نیول شوي وو یوه ورځ وروسته دهغي سیمي دشینوارو او مومندو قومونو د پراخو اعتراضونو او مظاهرو له امله خوشي شول چي د دغو مظاهرو په بهیر کي یوتن و وژل شو او څوتنه نور ټپیان شول.

ددغه راز یوخبر په اوریدو سره دهیواد تولو اوسیدونکوته دا اندیښنه پیدا کیږي چي بهرني خواکونه زموږ له فرهنګ او عقیدي سره اشنائي نه لري او په دي نه پوهیږي چي دا د غرب سیکلر او آزاده ټولنه نه ده، دلته یو لړ داسي عقیدوي او کلتوري ارزښتونه شته چي خلک ورته د درناوي سر ټیټوي او ددغه راز ارزښتونو د تاواني کیدو له امله حتي د خپل مال او سر قرباني ته هم تیار دي

ائتلافي څواکونه باید په دي پوه شي چي که دوي ددغو سپیڅلو خلکو عقیدو او دودونو ته درناوي ونه کړي نو دوي نشي کولاي چي په افغانستان کي خپل ماموریت په کامیابي سره سرته ورسوي. ائتلافي څواکونه باید زموږ د کلیو او باندو دخلکو د تلاشي او یا دهغو د کورونو د لټولو په وخت کي له خان سره افغاني څواکونه او په خاص ډول ښځي ولري او یواځي ښځوته داحق حاصل دي چي پردي کورته ننوځي او دکور تورسري تلاشي کړي او که دغه راز کار نارینه ائتلافي څواکونه سرته ورسوي نو په دي کي شک نشته چي زموږ تش لاس خو په خپل ناموس مین اولس به د دوي په وړاندي و دریږي او خپل سرونه به د خپل ناموس دساتني لپاره ډالۍ کړي.

ښځي زموږ په افغاني قاموس کي د مور او خور یا په عامه معني د ناموس حیثیت لري او افغانان نه یواځي خپل بلکي دنورو ناموس ته هم په درناوي شهرت لري چي موږ ني بیلګه د ملګرو ملتو د سازمان د دریو تنو کارکوونکو او په تیره بیا د دوو تنو میرمنو انیتا فلانیګن او شیبي حبیبي د تښتوني په بهیر کي وکتله چي دیرو افغانانو ان د خپلو کورنیو په شمول له تښتونکو څخه هیله وکړه چي دغه بهرني میلمانه خوشي کړي او پرخاي ني دوي په یرغمل کي ونیسي ۸مخ

د دولت د ریاست ویندوی:

د هوا له لاری د درملو د شیندلو سره مخالف یو

باختر:

د دولت د ریاست ویندوی جاوید لودین پرون په یوه خبری کنفرانس کی د مخدره موادو پرخلاف مبارزه کی د دولت د هلو خلو، له نیشه یی توکیو سره دمبارزی لپاره د امریکا د مرستی داعلام او د ننګرهار ولایت په مربوطاتو کی د هوا له لاری د کوکنارو پر کروندو ددرملو د شیندلو په باب خبریالانو ته معلومات ورکړل او وی ویل: یو وروستی بدلون د کوکنارو د کرکیلی دله منځه وړلو په مقصد او له نیشه یی توکیو سره د مبارزی له پاره له افغانستان سره د امریکا دمتحده ایالاتو د اووه سوه ملیونی ډالرو د مرستی اعلان دی.

لودین په دی ترڅ کی چی د ننګرهار ولایت د خوږیانیو او شینوارو په ولسوالیو کی د کوکنارو پر کروندو دهواله لاری د درملو د شیندلو له امله خپل مخالفت څرګند کړ او وی ویل: د افغانستان دولت هیڅ هیواد ته اجازه نه ورکوی چی د هوا له لاری د کوکنارو پر کروندو په درمل شیندلو لاس پوری کړی.

حکومت پس از انتخابات و راهکارهای گسترش نهادهای مدنی

ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

قدر دانی از قهرمانان جهاد و مقاومت و راهکار قانونی عضویت در کابینه

ملت هایی که به خاطر حصول استقلال و آزادی خویش در برابر تجاوزات خارجی و یا استبداد داخلی مبارزه نموده و حماسه ها آفریده اند؛ همواره از قهرمانان خویش با سپاس و قدر دانی یاد می نمایند و نام و یاد وخاطرهٔ آنان را گرامی می دارند.

مردم مسلمان، مجاهد و حق شناس افغانستان نیز از صمیم قلب قهرمانان جهاد و مقاومت را دوست دارند و به خوبی می دانند که همچو شخصیت ها در چه شرایط سخت و دشواری تبارز نموده و با چه رشادت ها، شهامت ها و قهربانی هایی به شهرت رسیده اند و بالآخره جایگاه شان درتاریخ پرافتخار جهاد و مقاومت به درستی و روشنی تثبیت گردیده است.

در این رابطه سه نکتهٔ مهم را بایست مد نظر داشت:

۱- تضعیف قهرمانان و تلاش در جهت بدنام سازی آنان نه تنها یک امر زشت و اهانت به اشخاص وخلاف قانون است، بلکه جفای بزرگ با ملت مجاهد و حماسه آفرین افغانستان نیز می باشد که همچو قهرمانانی را به مرور زمان و با در نظر داشت استعداد و شایستگی در شرایط بس دشوار وطاقت فرسا در دامان خویش پرورانیده است!

۲- قدر دانی از قهرمانان جهاد و مقاومت هرگز به معنی نادیده گرفتن اشتباهات وخلاف کاری های آنان نیست ولی باید جداً دقت و احتیاط گردد تا شواهد و اسناد کافی و آنهم به مراجع قانونی ارائه شود نه اینکه هدف از وارد آوردن اتهام فقط به راه انداختن سر و صدا و هیاهو در جهت تضعیف، بدنامی و بالآخره ایجاد فتنه و آشوب باشد.

در این زمینه، درکنار موضع گیری افراد، داوری های نادرست مطبوعات دولتی نیز قابل نکوهش می باشد، به ویژهٔ سرمقالهٔ روزنامهٔ دولتی هیواد مؤرخ یکشنبه / ۸ قوس.

۳- تبدیلی مأمورین دولت در همه سطوح یک امر کاملاً عادی و مطابق به قوانین کشور است. به ویژه تقرر یک والی به حیث وزیر و یا یک وزیر به حیث والی کدام رخداد مهمی نباید تلقی گردد که سر وصداها و آشوب هایی را در پی داشته باشد. آنچه قابل بحث و بررسی است، موضوع ضرورت و موقع و فرصت مناسب آن است و نه اصل تبدیلی.

مسألهٔ دیگر، راهکار قانونی عضویت در کابینه است. برخی گمان دارند که با تجمع تعدادی از افراد به نام نمایندگان چند ولایت می توانند از حضور افراد مشخص در کابینه جلوگیری نمایند و یا افرادی را به کابینه وارد کنند.

در این رابطه، لازم است تا به چند نکته اشاره گردد:

۱- طبق حکم فقرهٔ یازدهم مادهٔ ٦٤ قانون اساسی، تعیین وزرا از صلاحیت های رئیس جمهور است. ولی طبق حکم همین فقره، تایید ولسی جرگه نیز شرط می باشد.

۲- گزینش وزرا وترکیب کابینه با در نظر داشت مصلحت های سیاسی، قومی و جغرافیایی به صوابدید شخص رئیس جهمور ارتباط می گیرد و از لحاظ قانون کدام قیودی وضع نگردیده است. بدین معنی که هرگاه همه وزرا از یک قوم، از یک حزب و از یک سمت تعیین گردند و این تعیین براساس اصل شایسته سالاری صورت گرفته باشد؛ پس یک عمل خلاف قانون نخواهد بود ولی به همه حال اطمینان داریم که رئیس جمهور این مصلحت ها را در نظر خواهد گرفت.

۳- آنانی که ادعا دارند از مردم یک یا چند ولایت نمایندگی می کنند و به این اساس مخالف عضویت فرد یا افرادی در کابینهٔ جدید می باشند، لازم است تا: ص ۸

سال چهارم موافقت نامهٔ ترتیبات موقت (بن) و سوال اجرا و تطبیق آن

محمد نسیم فقیری

سه سال از امضای توافقنامهٔ بن می گذرد. در ۶ قوس ۱۳۸۰ کشور های قدرت مند و ذیعلاقهٔ دنیا و منطقه زیر پوشش سازمان ملل متحد، مذاکراتی را در شهر بن آلمان سازمان دادند تا در مورد آیندهٔ افغانستان - پس از سقوط طالبان- به صورت مشترک تصمیم بگیرند.

اهمیت تاریخی مذاکرات بن را در ابعاد خارجی و داخلی می توان چنین خلاصه نمود:

۱- برای نخستین بار در تاریخ معاصر جهان، تمام کشور های بزرگ دنیا و منطقه بدون استثنا در مورد آیندهٔ یک کشور - با تفاوت هایی در نقش و نفوذ - تصمیم گرفتند و حمایت خویش را از توافقات به عمل آمده ابراز داشتند.

۲- اکثر گروه های مطرح افغانی (جز طالبان و حزب اسلامی حکمتیار) در این مذاکرات شرکت داشتند ویا از آن حمایت نمودند.

۳- در این توافقات به نقش عمده و خاص سازمان ملل متحد در دورهٔ قبل از ایجاد مؤسسات دایمی در افغانستان تأکید گردید تا جایی که به نمایندهٔ خاص سر منشی سازمان ملل متحد در افغانستان صلاحیت های شبیه یک زمامدار تفویض گردید. (ضمیمه دوم موافقت نامه).

• مذاکرات و توافقات بن در کنار اهمیت بزرگ وتاریخی آن، دارای سه عیب عمده نیز بود:

۱- در این مذاکرات و توافقات، قدرت های بزرگ جهانی بیشتر دارای نقش و نفوذ بودند تا گروه های افغانی!

۲- این مذاکرات در خارج از افغانستان صورت گرفت، حال آن که شرایط در داخل کشور نیز مساعد بود و احتمال نفوذ و تاثیر گذاری دیگران کمتر!

۳- از دو طرف اصلی منازعه فقط یک طرف (دولت اسلامی یا جبههٔ متحد) در آن شرکت داشت و طرف اصلی دیگر (طالبان) نه تنها شرکت نداشت که مخالف نیز بود، بنا بر این به غلط آن را مذاکرات یا توافقات صلح نامیده اند.

در مذاکرات و توافقات بن چهار جهت شرکت ورزیده بودند:

۱- نماینده گان دولت اسلامی یا جبههٔ متحد که از داخل افغانستان به بن رفتند.

۲- نمایندگان پادشاه سابق که به نام جرگهٔ روم (محل اقامت شاه سابق) یاد می گردیدند.

۳- نمایندگان جلسهٔ قبرس که از مدتی مشغول برگزاری جلسات در آن شهر بودند.

۴-افرادی از جلسهٔ پشاور که با عجله و شتاب به این نام در پشاور گرد آمده بودند.

از نام سه گروه اخیر به خوبی پیداست که در خارج از کشور اقامت داشته و نقش چندانی در تعیین سرنوشت جنگ و صلح نداشته اند.

یک نکتهٔ مهم دیگر، نام و عنوان مذاکرات و توافقات یادشده است و چنانچه ذکر شد به نادرستی آن را مذاکرات یا توافقات صلح بن نامیده اند! در حالی که نام درست آن "موافقت نامهٔ ترتیبات موقت در افغانستان تا زمان ایجاد مؤسسات دایمی دولتی" است. و این نادرستی نام و عنوان در موارد دیگر نیز به مشاهده می رسد مانند نام نیروهای بین المللی کمک به امنیت یا آیساف که به غلط نیروهای بین المللی حافظ صلح نامیده می شوند!

موافقت نامهٔ مذکور به صورت کل در برگیرندهٔ حاکمیت موقت، تدویر لویه جرگهٔ اضطراری، ادارهٔ انتقالی و تدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی بوده است که دو ضمیمهٔ مهم (در مورد نیروهای امنیتی بین المللی و نقش سازمان ملل متحد در ادارهٔ موقت) نیز به آن اضافه گردیده است.

رویداد مهم و خطیر از منظر توافق نامهٔ بن ، تدویر لویه جرگهٔ اضطراری بود که لازم است- هر چند دو ونیم سال از آن سپری گردیده- یک بار دیگر مورد بررسی قرار گیرد:

> **با تأخیر انتخابات پارلمانی، دورهٔ انتقالی به درازا کشید و در نتیجه با عدم موجودیت پارلمان و حکومت منتخب دو نهاد مهم دیگر تشکیل نگردیده و توافق نامهٔ بن از اجرا و تطبیق کامل بازمانده است!**

توافق نامهٔ بن هفت وظیفهٔ اساسی را فرا روی لویه جرگهٔ اضطراری قرار داده بود:

۱- تصمیم گیری در مورد دورهٔ گذار به شمول یک ادارهٔ انتقالی فراگیر...(۱)

۲- انتخاب رئیس دولت برای دورهٔ گذار...(۲)

۳- تصویب طرح های پیشنهادی در مورد ساختار ادارهٔ انتقالی ...(۳)

۴- تصویب طرح های پیشنهادی در مورد شخصیت های کلیدی ادارهٔ انتقالی.(۴)

۵- بررسی یک نسخهٔ اصلاح شدهٔ قانون اساسی سال ۱۳۴۳...(۵)

۶- بررسی مقررات وشیوهٔ کار برای تحکیم سلطهٔ قانون ...(۶)

۷- بررسی مقررات وشیوهٔ کار برای فعالیت یک نظام قضایی مستقل ... (۷)

هرگاه در انتخاب کلمات وعبارات برای توافقنامهٔ بن، دقت بیشتر صورت گرفته باشد؛ پس سوالهای مهم واساسی زیر بی پاسخ مانده و اصولاً مطرح نشده بود:

۱- لویه جرگهٔ اضطراری از این هفت وظیفهٔ مهم، چندتای آن را به انجام رسانیده است؟

۲- هرگاه دورهٔ گذار را محدود ومنحصر به ادارهٔ انتقالی ندانیم؛ پس چه چیزهای دیگری را نیز شامل می شد؟ زیرا از عبارت «تصمیم گیری در مورد دورهٔ گذار به شمول یک ادارهٔ انتقالی فراگیر...» چنین بر می آید که در این دوره و در کنار ادارهٔ انتقالی، نهاد یا نهادهای دیگری نیز باید وجود می داشت که لویه جرگه در مورد آنان باید تصمیم می گرفت.

۳- چرا در یک جا کلمهٔ "دولت"(۸)، در جای دیگر "ادارهٔ انتقالی"(۹) و در جای دیگر "حاکمیت انتقالی" (۱۰) به کار رفته است؟

۴- طرح هایی در مورد ساختار ادارهٔ انتقالی و شخصیت های کلیدی این اداره را چه کسی ویا چه نهادی باید پیشنهاد می کرد؟ هر گاه از وظایف و یا صلاحیت های رئیس منتخب ادارهٔ انتقالی می بود، چرا در موافقت نامه صراحت نیافت؟

۵- کدام کمیسیون و یا نهادی وظیفه داشت تا یک نسخهٔ اصلاح شدهٔ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ را تهیه و جهت بررسی به لویه جرگهٔ اضطراری تقدیم می کرد؟

۶- کدام کمیسیون و یا نهادی وظیفه داشت تا مقررات و شیوهٔ کار را برای تحکیم سلطهٔ قانون، تهیه و جهت بررسی به لویه جرگهٔ اضطراری ارائه می داشت؟

۷- مقررات وشیوهٔ کار برای فعالیت یک نظام قضایی مستقل را کدام نهاد یا کمیسیون باید تهیه و برای بررسی به لویه جرگهٔ اضطراری پیشنهاد می کرد؟

۸- آیا منظور از «دورهٔ گذار به شمول یک ادارهٔ انتقالی فراگیر ...» این نبود که قوهٔ قضایی مستقل در کنار ادارهٔ انتقالی، بازوی دیگر دورهٔ گذار را تشکیل بدهد؟

۹- آیا هدف از «فعالیت یک نظام قضایی مستقل» ، انتخاب رئیس و اعضای ستره محکمه و تصویب مقررات و شیوهٔ کار آن قوه توسط لویه جرگهٔ اضطراری نبود؟ در غیر آن ، هر گاه رئیس قوهٔ قضائیه ویا ستره محکمه توسط رئیس دولت نصب شود و نام او در کنار اعضای کابینه قرار گیرد، چگونه می توان توقع و انتظار استقلال را از آن داشت؟ و آیا معنی نظام قضایی مستقل همین است؟

۱۰- جایگاه "مقررات و شیوهٔ کار برای تحکیم سلطهٔ قانون" در صورت وجود یک نسخهٔ اصلاح شدهٔ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ و نظام قضایی مستقل، در کجاست؟

اجرا و تطبیق موافقات بن با تشکیل ادارهٔ موقت آغاز و بالاخره با انتخاب یک حکومت ممثل به مرحلهٔ نهایی خویش می رسد. ادارهٔ موقت تشکیل و عمر آن پایان یافت، لویه جرگهٔ اضطراری دایر و ادارهٔ انتقالی تشکیل گردید، لویه جرگهٔ قانون اساسی برگزار و قانون اساسی به تصویب رسید، انتخابات ریاست جمهوری دایر و رئیس جمهور کشور انتخاب گردید ولی با تأخیر انتخابات پارلمانی، دورهٔ انتقالی به درازا کشید و در نتیجه با عدم موجودیت پارلمان و حکومت منتخب دو نهاد مهم دیگر تشکیل نگردیده و توافق نامهٔ بن از اجرا و تطبیق کامل بازمانده است!

پاورقی ها

۱- مادهٔ چهارم – احکام عمومی

۲، ۳، ۴، ۸، ۹ – مادهٔ پنجم – کمیسیون مستقل مخصوص برای تدویر لویهٔ جرگه اضطراری

۵، ۶، ۷ – مادهٔ ششم – کمیسیون مستقل مخصوص برای تدویر لویه جرگه اضطراری

۱۰- مادهٔ ششم – احکام عمومی

حکومت پس از انتخابات و راهکارهای گسترش نهادهای مدنی

پوهندوی عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

مردم از یک آزمون، موفقانه بدر آمده اند و اکنون انتظار این دست آورد خویش را که اجرای موفقانهٔ انتخابات سراسری در کشور است، دارند

جامعهٔ مدنی همان جامعهٔ شهروند است که افراد آن درچارچوب قانون اساسی، دور از خشونت وکشمکش های اتنیکی و تباری زندگی می کنند.

در جامعهٔ مدنی افراد در پهلوی پیوند های شخصی وفردی خود، در جهت تأمین رفاه همگانی تلاش می ورزند.

تشکیل جامعهٔ مدنی در حقیقت، نوعی آگاهی اجتماعی است، چنان که همین آگاهی از امور سیاسی - اجتماعی و حس مسؤولیت در برابر مسائل وقضایای مشترک اجتماعی اساس جامعهٔ مدنی را تشکیل می دهد.

جامعهٔ مدنی در قبال جامعهٔ سیاسی نقش اصلاحی دارد. اساساً جامعهٔ مدنی نه تنها مستقل از جامعهٔ سیاسی است بلکه وابسته به دولت نیز می باشد. در جهت ایجاد جامعهٔ مدنی پیش از همه در افغانستان ما به یک دولت فراگیر، مردم سالار و مبتنی بر قانون اساسی که حقوق همهٔ شهروندان در آن تضمین شده باشد، نیاز داریم.

در یک جامعهٔ مدنی، مردم می دانند که اختلافات و دشواری های اجتماعی خود را چگونه به وسیلهٔ مذاکره و گفتگو حل کنند، به همان پیمانه که روحیهٔ سازش با مخالفان در یک جامعه رشد می کند، به همان اندازه زمینه در جهت رشد جامعهٔ مدنی فراهم می شود وگروه های رضا کار اجتماعی وارد میدان می گردند.

فعالیت در جهت ایجاد جامعهٔ مدنی در افغانستان ، در سپیده دم سدهٔ بیستم پدید آمده است. به گونهٔ نمونه می توان از جنبش مشروطه خواهان اول و دوم و نشر سراج الاخبار که اندیشه های مشروطه خواهان و اصلاح طلبان را بازتاب می داد، یاد کرد. با این حال جامعهٔ مدنی به مفهوم متعارف آن که هم اکنون در کشور های متمدن و پیشرفتهٔ جهان دیده می شود، در کشور ما وجود ندارد.

آنچه را که در افغانستان به مفهوم جامعهٔ مدنی می شناسیم همان جامعهٔ مدنی سنتی است که از سال ها بدین سو وجود داشته است که با استفاده از شوراهای محلی، جرگه ها و آرای ریش سفیدان به برخی از مشکلات اجتماعی پایان داده است. اما بیست و چند سال اخیر را می توان به عنوان دوران بحران بی سابقه به حساب آورد. این بحران با از بین رفتن نظام دولتی و حقوقی در کشور آغاز گردید. ظرف این سال ها انارشی سیاسی – نظامی در کشور مسلط گردید و بدین گونه مفهوم و ماهیت دولت زیر سؤال قرار گرفت. در چنین اوضاع و احوال سازمان های امداد غیردولتی و سازمان های امداد رسان جهانی وارد صحنه شده و با ارائهٔ کمک های بشری خواستند تا خلای به جا مانده در رفاه عامه را پر کنند. نتیجه آن شد که اعتبار دولت در میان مردم کاهش یافت و قدرت نظامی به جای خواسته های مردم به منبع مشروعیت سیاسی بدل گردید، وبدین گونه بحران جامعهٔ مدنی و سعتی بیشتر پیدا کرد. خفقان سیاسی و فروپاشی نظام سیاسی عرصه های فرهنگی رانیز به بحران کشانید، و این دیگر اوج بحران جامعهٔ مدنی در افغانستان بود.

هم اکنون این موضوع مطرح است که افغانستان، چگونه می تواند از این بحران اجتماعی بگذرد و راه خود را به سوی یک جامعهٔ مدنی بگشاید.

جهت رسیدن به این هدف در گام نخست افغانستان نیاز جدی به بازسازی نهادهای جامعهٔ مدنی دارد؛

زیرا هم اکنون:

۱- جنگ گرم در کشور به کمک وهمیاری جامعهٔ جهانی به پایان رسیده است.

باید خواسته های جامعهٔ جهانی به ویژه اهداف سازمان ملل متحد در کشور که همانا رسیدن مردم به تعیین سرنوشت خویش از راه های مشروع و مسالمت آمیز است تحقق یابد. مردم از یک آزمون، موفقانه بدر آمده اند و اکنون انتظار این دست آورد خویش را که اجرای موفقانهٔ انتخابات سراسری در کشور است، دارند.

۲. راه های توسعهٔ اقتصادی و رفاه همگانی در کشور جستجو گردد.

۳. زمان آن فرا رسیده است که قانون اساسی تمام فعالیت های سیاسی ، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جغرافیای سیاسی خویش تضمین کند . در صورت تحقق این مأمول فعالیت احزاب سیاسی در کشور گسترش یافته، آزادی مطبوعات جایگاه اصلی خویش را باز می یابد، وکشور دارای پارلمان و کابینه یی منتخب می گردد.

۴. گسترش و تنوع نهادهای مدنی در کشور از اولویت های مهم به شمار می آید. مادر آیندهٔ افغانستان به نهاد های صنفی کارگران، اهل حرفه، صنعتکاران، انجمن های جوانان، استادان و اموزگاران، هنرمندان، شاعران ، نویسندگان، روزنامه نگاران وغیره ضرورت داریم، تا از حقوق صنفی و بشری خود به گونه یی مسالمت آمیز دفاع و حراست کنند. بدون ایجاد روحیهٔ مسالمت و رقابت های مثبت و فعالیت های دور از خشونت نمی شود راه به سوی دموکراسی باز کرد، زیرا پیش شرط جامعهٔ دموکراتیک، ایجاد جامعهٔ مدنی در کشور است. ایجاد نهادهای جامعهٔ مدنی مؤلفه های دموکراسی در کشور را می سازد.

۵- جامعهٔ مدنی در افغانستان به پلورالیسم سیاسی و کثرت گرایی نیاز دارد. تحول و تقویت قشر های اجتماعی از سنتی به مدرن، بسط وانکشاف طبقات متوسط جامعه از خواسته های با ارزش جامعهٔ کنونی ماست. آن چه را که مردم ما ظرف دو دهه و اندی در کشور تجربه کرده اند، همانا لزوم اصلاحات گام به گام است. کشور در بیست واند سال گذشته در حوزهٔ تفکر و سیاست با تناقضات عجیبی روبه رو بوده است. حال زمان آن فرار رسیده است که باید واقعیت جامعهٔ جهانی را بپذیریم و خود را با کاروان جهانی در جهت رفاه و تفکر سیاسی همگام سازیم.

۶- امروز زنان و جوانان به آزادی های تازه یی دست یافته اند. ما به طرف مدرنیزم، نوسازی و بازسازی روانیم. در فر آیند این مدرنیزاسیون به طور طبیعی مجموعه یی از معارف، نهادها و شیوه های تازهٔ زندگی به جامعه وارد خواهد شد. ما در زمینه های گوناگون به این تجدد ونوگرایی نیاز داریم و از جمله در زمینه های سیاسی، تا در جهت تحقق دموکراسی بکوشیم و زمینه را برای یک نظام پارلمانی مردم سالار فراهم کنیم.

در زمینهٔ اقتصادی نه تنها باید به بازارجهانی راه پیدا کنیم؛ بلکه باید به شیوه های جدیدی در زمینهٔ تولید ومصرف دسترسی داشته باشیم.

در زمینهٔ فرهنگی به پذیرفتن مفهوم پیشرفت وشناخت جهانی فرهنگ ضرورت داریم.

با نوسازی است که موجبات تکوین وتأسیس شکل های جدیدی در نهادهای اقتصادی، اجتماعی وسیاسی را می توان فراهم کرد و در چنین صورتی است که رفتارها، اندیشه ها وخواسته های جدیدی به وجود می آید که می تواند پایه های جامعهٔ مدنی در کشور را استحکام بخشد.

ملت له دولت څخه رڼه او رښتيني پاليسي غواړي

پامير

خلک د ملي مسئلو او دملي مصالحو د زيانمنيدو په وړاندې، له مرکزي دولت او ددغه دولت د لوړ پوړيو چارواکيو د ګونګو او مبهمو څرګندونو له امله انديښمن دي. وګړني دولتونه، چې د خلکو په مستقيمه اراده او خوښه منځ ته راغلي وي، بايد د خلکو رښتيني نماينده ګي وکړي. دهيواد دلوړو ګټو په وړاندې چوپ پاتي کيدل او يا خلکوته د رښتينو معلوماتو نه ورکول، د دولت اعتبار او حقوقي - سياسي شخصيت ته تاوان رسوي. زموږ هيله داده اوس چې دعمومي ټولټاکنو له لارې، دهيواد ولسمشر وټاکل شو. بايد ددغه ولسمشر کاري ټيم، د خلکو سترګو ته خاورې ونه شيندي. خلک هيله من دي چې حقايق واوري او دهيواد ټولي مسئلي که سياسي وي يا اقتصادي، فرهنګي ورته په پوره شفافيت او رښتينولۍ سره وضاحت وړاندې شي او که دولتي چارواکي بيا هم له چل ول، ټګۍ او عوام غولوني څخه کار اخلي، نو په دې صورت کې خلکوته دخپل انتخاب او دخپل غوره شوي ولسمشر او دهغه د کاري ټيم پر وړاندې شک او بدګماني پيدا کيږي چې البته د ملت او دولت ترمنځ د نا باوري ددغه راز يوې خړې فضا پيدا کيدل، د دولت دناکامي لامل او دهيواد د وروسته پاتې کيدو باعث ګرځي.

دساري په توګه دمخدره موادو د قاچاق په برخه کې، د کورنيو چارو وزير لاځو مياشتي مخکې، په خپلو مطبوعاتي څرګندونو کې ويلي و چې ددغو توکيو په قاچاق کې د خينو لوړ رتبه دولتي کسانو لاس دي چې دلازمو شواهدو تر راټوليدو وروسته به افشا شي خو موږ وليدل چې ښاغلي جلالي صاحب دادي دځو مياشتو وروسته هم دغه راز کسان افشاء نه کړل او خلکوته لي څرګنده نه کړه چې دهيواد دملي مصالحو دغه سر غړوونکي څوک دي.

دا دي اوس معلومه شوه چې که ښاغلي د کورنيو چارو وزير دغه راز رازونه پټ ساتي نو دنړي دمطبوعاتو ځينې معتبري ورځپاڼي بيا پرحقايقو رڼا اچوي او زموږ خلکو ته معلومات ورکوي چې دمخدره موادو د قاچاق په کار وبار کې دچا لاس دي؟

څو ورځي مخکې دامريکا دنيويارک ټايمز لوړ تيراژي ورځپاڼي وليکل چې د افغانستان د مخدره موادو په قاچاق کې، د ولسمشر کرزي د وروړ په شمول دسرحدونو چارو وزير او دځينو نورو غريو لاس دي چې البته دغه ادعا بيا د قوس دمياشتي په دويمه نيټه د وزيرانو شورا په غونډه کې رد شوه او په دې برخه کې د رسمي غبرګون په توګه يوه اعلاميه هم تصويب شوه خو دغه راز اعلاميې دخلکو د قناعت وړ نه دي.

له دغه راز مبهم او ناڅرګند چلند څخه خلکوته دا باور پيدا کيږي چې يا خپل مرکزي دولت په کافي اندازه کمزوري او کم صلاحيته دي چې د حقايقو د خپرولو توان نه لري او يا خو دا چې دخلکو دغولولو او دملت د اوسيدونکو سترګوته دخاورو شيندلو پاليسۍ ته دوام ورکوي چې دغه راز تياره او مبهم سياست دوام نه لري او دخلکو دغوسي او کرکې سبب ګرځي.

همدارنګه که موږ د ټولټاکنو دبهير دملګرو ملتو د دريو څارونکو ديرعمل مسئلي ته وګورو چې د نورو شيشو په لينډکروزر موټر کې وتښتول شول او ان تر ۲۷ ورځو پورې په کوم شخصي کور کې وساتل شول او بيا د خلکو، ايساف او دولتي ځواکونو په ګډه مرسته د يرغمل نيوونکو له منګولو څخه وژغول شول خو دبده مرغه چې د ملت دپراخو پرګنو د ارادې خلاف لاتر اوسه دولتي مقامات دې ته نه دي حاضر شوي چې د يرغمل نيوونکو هويت افشا کړي او خلک وپوهيږي چې دغه د نظام، ديموکراسي او زموږ د ديني او فرهنګي ارزښتونو دښمنان څوک وو، د کوم خانګړي هدف له پاره ئې پدغه راز جنايت لاس پورې کړي و او دکوم ډول معاملې له مخې خوشي شول.

زموږ هيله داده چې د دولتي لوړ رتبه چارواکيو، امنيتي او قضائي ارګانونو او په مجموع کې د دولت په ټوله دستګاه کې د هيوادنيو ملي مسئلو په وړاندې شفاف او له رښتيايني ډک دريځ غوره شي، دملت د خلکو دغولولو پاليسۍ پای ته ورسول شي او له ټولو هغو ناخوالو او خنډونو سره صادقانه او وطن دوستانه مبارزه وشي چې زموږ د ملي ارمانونو او سراسري پرمختګ په لاره کې شته دي.

سکوت مرگبار

محمد صابر یوسفی

خدا را پیشه دل گیر و دل افسرده است ای یاران
وفا در سینهٔ ویرانه ها مرده است ای یاران

پروبال کبوتر را رقیب من از آن بشکست
که پیغامم به آن دلدار می برده است ای یاران

کسی دارد گرامی این قبای فقر آلودم
که در اقلیم اهل دل بسر برده است ای یاران

نخواند بلبلی بر شاخساران دلم هیهات
نیستان مرد وباغ از یأس پژمرده است ای یاران

سکوت مرگباری در دل این دشت ها جاریست
مپرس از من که جنگل زخم ها خورده است ای یاران

اگر چه سال ها در خدمت این انجمن بودم
دل از نامردمی ها سخت آزرده است ای یاران

کجا آرام گیرد یوسفی در دامن صحرا
که لیلایی دل ودین از کفم برده است ای یاران

اروابناد عبد الرووف بینوا

نیکمل

بینوا د شعر او ادب په نړي کښي د لوي او غښي برخي خاوند دي. دي د نظم او نثر په دواړو میدانونو کښي یو منلي شاعر او غښتلي لیکوال دي. دده په لیکنو او اشعار و کښي قومي او پښتني جذبي، د ژوند او زماني نه ګیلي دمستي پیالي اوداسي نور مطالب زیات لیدل کیږي. ده دخپلي تولني په بدحال د شعر په الفاظو کښي ډیر ژړلي دي او د یتیمانو په بده ورخ یي ډیري اوښکي بهولي دي.

بینوا د شعر په الفاظو کښي ډیر کتابونه لیکلي دي. دډرامو په لیکنه کي هم د لوي لاس خاوند دي. دده ټول کتابونه او رسالي (۳۵) ته رسیږي چه زیات یي چاپ شوي دي.

دده لومړي منظومه رساله د "غنمو وړي" په ۱۳۲۵ ش کال کښي او دوهمه منظومه مجموعه یي د "پریشانه افکار" په نامه په ۱۳۳۵ ش کال کښي دپښتو ټولني له خواخپري شوي دي. بینوا څه کم څلویښت کاله د ماموریت او چوکیو خوندونه ولیدل او د وزارت تر مقام هم ورسید. خو هیڅکله یي خپل ادبي او علمي مسلک نه دي پري ایښي. ښکاره خوشحال او بي پروا ښکاري خو په زړه کښي ډیر دردمن او خوږ من دي.

د بینوا چاپ شوي مشهور اثار دادي:

۱- پښتني میرمني . ۲ـ ادبي فنون . ۳ـ میرویس نیکه . ۴- چند اهنګ ملي .

۵- دغنمو وږي. ٦ـ خوشحال خټک څه وايي. ۷ـ پښتونستان . ۸ - پریشانه افکار

۹ـ هوتکیان. ۱۰ـ اوسني لیکوال (دري توکه). ۱۱- د افغانستان نومیالي.

۱۲- دګیتا نجلي ترجمه او نور.

بینوا په پنځوانۍ کښي وزیږید په کندهار کښي لوي شو او په کابل کښي سپین ږیري شو خلک وايي چه الفت او بینوا دواړه انتقادي اشعار لري خو د الفت انتقادي‌لهجه نرمه او دبینوا انتقادي‌لهجه تیزه ده. مګر زه وایم چه دده اشعار دده د ازاد خیالي او بي پروایي بوه انګازه ده چه د پښتونخوا د غرونو په مینځ کښي تاوراتاو کیږي او بیا په هوا کښي خپرېږي او تیتېږي دده په اشعارو کښي دغزلونو برخه لږه بلکي په نشست حساب ده. ټول اشعار یي د ترجیع بند او ترکیب په خوم کښي رنګ شوي دي. البته دمستي او نشي کیف پکښي ډیر دي

او دا هم د اروابناد بینوا شعر:

نسیم و وي د ګل غوږ کښي بدل شو دیاراني رنګ
غلي شانته انقلاب دي بدلوي د زماني رنګ
ورسره نوي رنګونه
رنګارنګ تحولونه
کړي سمسور به باغ رغونه
موسم بل دي هم بل شوي د بلبل د تراني رنګ
غلي شانته انقلاب دي بدلوي د زماني رنګ
دري ورې زوړ رباب دي
زوړ مطرب خانه خراب دي
زوړ اهنګ د روح عذاب دي
نوي ساز نوي اواز دي هم شو نوي د نغمي رنګ
غلي شانته انقلاب دي بدلوي د زماني رنګ

عشـــق

مرحوم سید اسماعیل بلخی

من ندانم عشق او را در کجا آموختم
آن قدر دانم که آموزش به جا آموختم
زندگانی مکتبی بوده است بر ارباب دل
نکته ای از راه دل زان دلربا آموختم

طره اش از هر طرف بر ما سر تاراج داشت
معنی وحدت از آن زلف دوتا آموختم
ناوک مژگان خونریزش قضا نامیده شد
وه که آخر از قضای او رضا آموختم
من که اندر راه هستی یک بلی گفتم به دوست!
این تحمل زان بلی بر این بلا آموختم
شرط وصلش برملایک سجدهٔ تکریم ماست
من مراد خویش را زان ماجرا آموختم
بعد از اینم هیچ وحشت نیست از راه فنا
زان که از راه فنا رمز بقا آموختم
بر مراد دیگران بس عمرها گردیده ایم
رسم این سرگشتگی از آسیا آموختم
تا که گردی بر مراد بی نوایان، راست باش

دستگیری برضعیفان از عصا آموختم
انتظار ساعت فرحت نمی شاید زچرخ
ما سیأتی را همه از ما مضی آموختم
ترک کوی می فروش از من مخواه ای شیخ شهر!
چون در آن آب وهوا ترک هوا آموختم
رهنمای هر سعادت بلخیا عشق است، عشق
شمع جان را سوختم تا رهنما آموختم

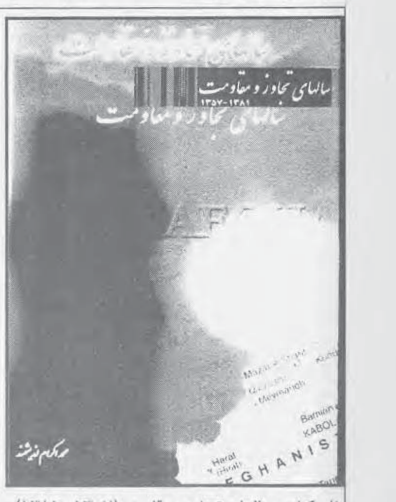
شیر باش نه کژدم

ملک الشعرا بهار

تندی مکن که رشتهٔ چل ساله دوستی
در حال بگسلد چو شود تند آدمی
هموار و نرم باش که شیر درنده را
زیر قلاده برد توان با ملایمی

مرد اراده باش که دیوار آهنین
چون نیم جو اراده، نباشد به محکمی
رمز است هرچه هست و حقیقت جز این دو نیست
ای نور چشم این دو بود عین مردمی
یا راه خیر خلق سپردن به حسن خلق
یا راه خیر خویش سپردن به خرمی
ور زانکه همت تو به آزار مردم است
شیری به هر طریق نکوتر زکژدمی

نگاهی کوتاه به یک کتاب



نام کتاب: سالهای تجاوز و مقاومت (۱۳۵۷- ۱۳۸۱)

نویسنده: محمد اکرام اندیشمند

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: نشر پیمان

چاپ اول تابستان ۱۳۸۳

کتاب سالهای تجاوز و مقاومت همان گونه که از نام آن پیداست، به وقایع دونیم دهه از تاریخ خونین و مصیبت بار کشور ما پرداخته است. این کتاب در چهار فصل و با ذکر منابع و مآخذ و اسناد و عکس ها در ۳۷۱ صفحه با کاغذ خوب و جلد رنگین به چاپ رسیده است.

اندیشمند از قلم به دستان خوب دوران جهاد، در این کتاب سعی دارد تا وقایع را از زاویهٔ دید خاص خویش مورد ارزیابی و قضاوت قرار دهد. در موارد بسیاری وی روشنگر زوایایی از وقایع است که نیاز به روشنگری داشت و از دید ها پنهان بود. بدون شک اندیشمند دراین عرصه به نوبهٔ خود سهم خویش را ادا کرده است. اما در مواردی هم نویسنده از روش اهل تحقیق و تتبع که باید بی طرفانه به مسائل بپردازد عدول نموده که به نظر من از نویسنده یی که خود در متن جریانات جهاد قرار داشت بعید می نماید.

اتکای نویسنده به نظر نویسندگان غربی که ابراز نظر و قضاوت آنان به هیچ صورت نمی تواند خالی از غرض باشد، به نظر من یک نقص کار نویسنده دراین کتاب است. به عنوان مثال وی به این نظر اتکا می کند که اسامه بن لادن به انگیزه های دینی به افغانستان نیامده بود و او یک جاسوس بود که با سازمان های اطلاعاتی از جمله سیا رابطه داشت.

چنین تصور در نزد من از آنجا مواجه به اشکال است که هم من و هم اندیشمند در دوران جهاد شاهد بودیم که عبدالله عزام در آن دوره تنظیم کنندهٔ امور مجاهدین عرب بود و اسامه هم از دست پروردگان اوست و به یاد بیاوریم که کسانی چون عبدالله انس که اکنون در غرب زندگی می کنند واز مخالفان القاعده است در آن زمان از شهرتی بیشتر از اسامه برخوردار بود و به همین گونه مرحوم شیخ تمیم العدنانی و دیگران... نام اسامه زمانی در رسانه های گروهی غرب مطرح شد که وی در مخالفت با خرید استنگر از مجاهدین توسط سازمان سیا، خود به خریداری استینگر پرداخت...

این که اسامه در کنار طالبان بر ضد جبههٔ متحد جنگید مسألهٔ دیگری است اما اگر ما بپذیریم که اسامه جاسوس سیا در افغانستان بوده است پس چگونه می توان وقایع دارالسلام و نایروبی و کشتی یو اس اس کول و سرانجام واقعهٔ یازدهم سپتامبر را توجیه کرد مگر این که به این باور باشیم که در عقب همهٔ این وقایع دست خود سازمان سیا دخیل بوده است؟

تروریسم را نباید با جهاد برادران عرب ما که در دوران جهاد مخلصانه در راه اسلام مبارزه کردند و بسیاری از آنان دراین راه جان باختند، مقوله یی همانند به شمار آورد هرچند ابراز چنین نظر با امکان متهم شدن به جانبداری از تروریسم توأم باشد. آیا برای همرنگ شدن با جماعتی از قماشی دیگر، باید به اصولی که بخاطرش آنهمه خون ریخته شد پشت کرد؟

همه رنگ ها را نمی توان در سیاه و سفید خلاصه کرد و به این باور بود که رنگ خاکستری وجود ندارد. اگر ما به این باور باشیم که همه چیز مطلق خوب و یا مطلق بد است، دیگر نیازی به تحقیق و تتبع نخواهد بود

به هر حال کتاب دوست ما جناب اندیشمند با ملاحظاتی چند که من به آن دارم، کتابی خواندنی است و نویسنده در نوشتن آن زحمت بسیاری برخود هموار کرده اند اما امیدوارم که قضاوت تاریخ در مورد وقایع دوران جهاد ومقاومت منصفانه تر از قضاوت دوست عزیزم جناب اندیشمد باشد.

این نظر من بود تا سایر دوستان را نظر چه باشد

وحید مژده

آنچه در برابر حکومت آینده قرار دارد

آذرخش نوری

سرانجام انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان برگزار گردید و همان گونه که تصور می شد، حامد کرزی برندهٔ انتخابات شد و حالا موظف است تا کابینهٔ جدیدش را بر گزیند.

آنچه در انتخابات افغانستان صورت گرفت تا اندازه یی از اعتبار آن کاست ولی در این راستا نفس مشارکت وسیع ومیلیونی مردم افغانستان اعم از زن و مرد درانتخابات، مایهٔ دل گرمی مردم ماو جامعهٔ جهانی گردیده است، این نشانهٔ آن است که مردم ما در فراز و نشیب زندگی و کوره راه های پرخم و پیچ به پختگی رسیده و نوعی بینش و درک سیاسی پیدا کرده اند.

همه تحلیل گران اوضاع افغانستان متفقا" به این باورند که در پهلوی علل و عوامل دیگری که در سه سال اخیر موجبات شکست و ناکامی حکومت های موقت و انتقالی افغانستان را فراهم کرد یکی هم ترکیب کابینهٔ دولت افغانستان در سه سال گذشته بوده است.

این ترکیب از یک سو محصول توافقات کنفرانس بن بود و از سوی دیگر زاییده یی از وضعیت دشوار سیاسی و نظامی سه سال پیش افغانستان.

عمده ترین ایرادی که در این خصوص بر آقای کرزی وارد است این که کابینهٔ او بر بنیاد مصلحت ها انتخاب گردیده بود و مزید بر آن، تعدادی از اعضای کابینهٔ ادوار موقت و انتقالی، کفایت و مدیریت چندانی نداشتند.

طرفداران این استدلال معتقدند که بسیاری از اعضای کابینه در سه سال گذشته واقعاً آنانی بوده اند که چرخ فلک بر مراد ایشان گردیده و ستارهٔ بخت شان از افق گرد اندود آسمان خونین افغانستان در سه سال پیش طالع شد و بر بنیاد شناخت با آن و یا این حلقه به مقام وزارت رسیدند.

به هرصورت، هرچه بود گذشت و ما اکنون وارد مرحله یی تازه از حیات سیاسی در کشور خود گردیده ایم.

مرحلهٔ تازه از ما می طلبد تا در موردی ولو اندک و کم اهمیت نیز باید دقت نمود و دشواری های موجود کشورمان را با دید کارشناسانه و جامعه شناسانه تحلیل نموده و راه حل جامع و در خور اوضاع افغانستان، برای آن ارائه کنیم.

اکنون اقای کرزی فرصتی مناسب دارد تا همهٔ آن پارامتر هایی را که در ناکامی یا کم کار ی دورهٔ کاری سه سال گذشته مؤثر بوده است، شناسایی کند و تلاش نماید تا آن ها در کابینهٔ آینده اش مجال حضور نیابند، زیراقدما نیک گفته اند:

هرکه نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد زهـــیچ آموزگار

یکی از چالشهای مهم فراراه آقای کرزی، ساختار پیچیده و غامض چند قومی و اجتماعی افغانستان است که او باید در پیرامون آن فراوان بیندیشد و حتی تیم کارشناس و مشاوران تازه یی برای خود برگزیند تا بتوانند با اجماع د رحول و حوش این فاکت تعین کننده، راه حل ارائه دهند.

به یقین حل این دشوار ی می تواند تا اندازهٔ بسیار زیاد یکی از مشکلات حاد حکومت و بالاتر ازآن جامعهٔ ما را که همانا مشکل قومیت ها می باشد حل بسازد.

حل این مساله در مدت کوتاهی که فراراه آقای کرزی قرار دارد میسر نیست چه او ناگزیر است تا یک ماه اعضای کابینه اش را معرفی بدارد، ولی وی می تواند در مجال کنونی چهرهٔ کابینه اش را چنان بیاراید که همه شهروندا ن افغانستان در آن سیمای خودرا از لحاظ ترکیب قومی ببینند.

هرگونه اغماض و چشم پوشی از این مسأله می تواند مانع بزرگی فراه راه حکومت او در پنج سال آینده باشد، و فراتر از آن نا دیده گرفتن ترکیب و ساختار اجتماعی افغانستان می تواند عامل آفرینش بحران های اجتماعی دیگری نیز در جامعهٔ بحران زدهٔ ما گردد.

مهم این است که هیچ هزاره یی نباید حق داشته باشد که به بهانهٔ تحقق ساختار قومی کابینه، بدون داشتن شایستگی های لازم برای یک وزیر، به کابینه راه یابد و همین گونه برای وزرایی که از اقوام دیگر

اکنون اقای کرزی فرصتی مناسب دارد تا همهٔ آن پارامتر هایی را که در ناکامی یا کم کار ی دورهٔ کاری سه سال گذشته مؤثر بوده است، شناسایی کند و تلاش نماید تا آن ها در کابینهٔ آینده اش مجال حضور نیابند

افغانستان چون پشتون، تاجیک، ازبک و... گزیده می شوند نیز رعایت این اصول و موازین، ضروری تلقی می گردد.

وقتی ما متعهد به انتخاب کابینه بر بنیاد مشارکت ملی هستیم، تأمین اصل مشارکت ملی چیزی جز این نیست که حضور نمایندگان اقوام مردم افغانستان را بدون تبعیض در کابینه ببینیم و این حضور را نباید قربانی آرا و نظریات چند چهره یی بسازیم که همین اکنون در میان مردم خود جایگاه چندان مناسبی ندارند. به عبارت دیگر آقای کرزی که اینک طی سه سال گذشته توانسته است رمز وراز وظرافت های

اسلام در افغانستان عنصر بسیار سازنده و تعیین کننده است. هیچ زمامداری درافغانستان نمی تواند بد ون رعایت و نگهداشت و تطبیق قوانین و اصول وموازین اسلامی حکومت کند

موجود، چهره های سیاسی و مذهبی کشورش را کسب کند، خود به گزینش وزرای خودبا در نظرداشت باقتار قومی مردم افغانستان مبادرت ورزد و ملاک گزینش و انتخابش را همان اصلی تعیین کند که مردم افغانستان بر آن تأکید دارند.

مشارکت ملی موجب جلب اعتماد و باور توده ها نسبت به دولت گردید و مارا گامی به سوی تقویت هویت ملی به پیش می برد. هویت ملی چیزی است که نمی تواند جدا از همدلی و هماهنگی سرتاسری مردم افغانستان میسر گردد و آنانی که در کشور با لجاجت می کوشند هویت های تک قومی خویش را بالا تر از این اصل بدانند، راهی به خطا پیموده اند و این کار کرد آنان می تواند موجبات افتراق ملی را به وجود آورد و فاصلهٔ ایجاد شدهٔ موجود در میان اقوام مختلف افغانستان را عمق و پهنای بیشتری بخشد.

این در حالی است که حکومت های استبدادی گذشته به طور مستدام با چسپیدن به لا ک قومی خود و ایجاد این اندیشه که قوم من از دیگران برتری دارد، مانع ایجاد هویت ملی برای مردم افغانستان گردیدند.

جای دارد که در همین جا گفته شود، دولت و شخص رئیس جمهور نباید اجازه بدهد تا احزاب سیاسی بر بنیاد دکتورین قومیت گرایی رسمیت یابند و در برابر این گونه احزاب با جدیت بر خورد کند و از فعالیت آنان جلوگیری نماید.

بررسی روند کمپاین تبلیغاتی عده یی از کاندیداها گواه روشن این ادعاست، آنها می کوشیدند با دامن زدن مسائل قومی، حتی المقدور از رأی قوم خویش بهره مند گردند. این حرکت آنان در حقیقت در جهت برچیدن بساط وفاق ملی در افغانستان بوده است.

این تلا ش ها موجب شد تا اندازه یی انتخابات افغانستان رنگ قومی به خود بگیرد. یقیناً این را نیزباید گفت که رئیس جمهورافغانستان اگر بتواند در برچیدن این بساط شوم موفق شود، تامی در خور و بایسته کمایی خواهد کرد.

واقعیت این است که مردم افغانستان در درازنای تاریخ درد ورنج بی شماری را متحمل شده اند و تا پیش از پیروزی جهاد، تا اندازه یی وفاق و همبستگی خویش را حفظ کردند. آسیب ناشی از سالهای اخیر بر پیکر وفاق ملی مردم ما، در صورتی التیام می یابد که دولت داران و روشنفکران و در فرجام همه مردم افغانستا ن در راه زدودن آن بکوشند. این اهتمام می تواند به شکل گیر ی یک تفکر سیاسی در افغانستان منجر گردد که به نوبهٔ خود مارا در جهت وحدت ملی خواهد کشاند.

اسلام در افغانستان عنصر بسیار سازنده و تعیین کننده است. هیچ زمامداری درافغانستان نمی تواند بد ون رعایت و نگهداشت و تطبیق قوانین و اصول وموازین اسلامی حکومت کند. بر پیشانی تمام حکوماتی که در گذشته ها موازین اسلامی را زیر پا کرده اند مهر زوال، سقوط و انهدام زده شده است و جناب کرزی که اینک رئیس جمهور منتخب افغانستان است جدا" باید به این مسأله توجه کند.

بر این نکته باید تأکید کرد که توجه به دین اسلام وا سلام پروری می تواند در کشور ما ثبات آورنده و بحران زدا باشدو چنان که در تاریخ افغانستان مشهو د است پادشاهان، امرا و دولت مردان افغانستان در گذ شته فقط با رعایت و احترام به دین مردم افغانستان توانسته اند حکومت کنند. تجربهٔ زمامداری کمونیست ها در کشور مان در همین چند سال گذشته می تواند درسی بزرگ باشد برای هرکسی که می خواهد در افغانستان بر مردم حکومت کند.

وقت آن فرا رسیده است تا تاکید کنیم که یکی از پر بار ترین و گرانبها ترین داشته های معنوی مردم افغانستان فرهنگ آن ها و مخصوصاً فرهنگ اسلامی شان می باشد.

ادامه دارد

واژه های سیاسی (۳)

میراقا حقجو

دموکراسی

دموکراسی یکی از قدیم ترین اندیشه های فلسفی در رابطه با نظام های سیاسی، اشکال حکومت و روش برای ادارهٔ جامعهٔ انسانی می باشد.

دموکراسی گرفته شده از واژهٔ یونانی"دموکراسیا" است که به معنی حکومت کردن مردم می باشد و بنا به قول مشهور برای نخستین بار در آتن در زمان "کلیستن" به کار رفته است، وی در سال ۵۱۰ قبل از میلاد به حکومت هیپارک و برادرش هیپاس پایان داد و با ایجاد اصلاحات قانونی، حکومت را به دست روستاییان و تهی دستان سپرد، حکومت مذکور را "دموکراسیا" وکلیستن را همه بنیانگذار آن نامیدند.(۱)

مفهوم دموکراسی در بستر زمان متحول گردیده و از آن تعاریف گوناگونی ارائه گردیده است. اندیشمندان بزرگ سیاسی وفلاسفهٔ یونانی مانند سقراط، افلاطون، ارسطو، دموکراسی را نکوهش نموده و آن را حکومت جهال قلمداد کرده اند.

سقراط حکومت اکثریت یا عدهٔ زیاد مورد نظر دموکراسی را حکومت بی فضیلت ها می دانست وی ضمن محکوم کردن دموکراسی سوال می کند: آیا موهوم پرستی نیست که صرف عدد یا اکثریت، سبب دانش وبرتری خواهد شد؟ آیا در سراسر جهان نمی بینیم که تودهٔ مردم، ابله تر، خشن تر وظالم تر از مردمان پراکنده هستند.

آیا شرم آور نیست، آنهایی که خوب حرف می زنند نه آن که حرف خوب می زنند بر مردم حکومت می کنند...؟(۲)

افلاطون، دموکراسی را حکومت تودهٔ مردم(مردمان پراکنده، فاقد تشکیلات در امور سیاسی که از داوری نادرست ناتوانند) می داند.

ارسطو باور داشت که دموکراسی حکومتی است که در آن تعداد زیادی از مردم به نفع خودشان حکومت می کنند و از آنجا که اکثریت مردم فقیرند، پس دموکراسی حکومت تهی دستان است.(۳)

در سده های اخیر دموکراسی در ذهن پژوهشگران علوم سیاسی به عنوان بهترین شیوهٔ زندگی سیاسی در جوامع بشری تجلی یافته است. و تعاریف مختلفی از آن ارائه نموده اند.

ابراهام لینکلن Abraham Lincoln (۱۸۰۹-۱۸۵۶) رئیس جمهور پیشین امریکا می گوید: "دموکراسی حکومت مردم است به وسیلهٔ مردم، برای مردم".

لینن دموکراسی را این گونه تعریف نموده است:

"دموکراسی شکلی از سازمان سیاسی جامعه است که در نهایت در خدمت تولید بوده و رابطهٔ تولید و جامعه آن را معین می کند".(۴)

بنا بر این برای دموکراسی تا کنون تعریف مشخصی ارائه نگردیده است. زیرا دموکراسی یک مفهوم انتزاعی وساختهٔ ذهن انسان بوده است و یک امر مرکب است که در جهان واقعی وجود ندارد. آنچه که در جوامع، مشاهده می شود Indicator یا شاخصه های دموکراسی است. لذا در جوامع بشری به آن باید توجه کرد که در آن جامعه دموکراسی وجود دارد یا نه؟

جوهر دموکراسی را می توان در این شاخص ها دریافت نمود مانند وجود احزاب سیاسی در جامعه، تشکلات اجتماعی، اعتراضات، تظاهرات، برپایی انجمن ها بنا به درخواست مردم بدون هیچ مانعی؛ وجود انتخابات منظم که مردم آزادانه در آن شرکت نمایند، و مقامات مسؤول را مردم انتخاب کنند ومسؤولان در برابر مردم پاسخگو باشند. در حقیقت دموکراسی های معاصر مبتنی بر اصول حقوق مدنی برای شهروندان، نمایندگی و پارلمانتاریسم، حکومت جمهوری، تفکیک قوا، آزادی های مدنی وسیاسی و... استوار می باشد. که اگر این شاخصه ها در هر جامعه یی وجود داشته باشد می گوییم که در آن جامعه دموکراسی وجود دارد.

ص۶

رئیس جمهور منتخب و چالش های درپیش

حسن عارفی

افغانستان بیشتر از دو دهه نا آرامی، جنگ، خون ریزی، وخشونت را پشت سر گذاشته است، از لحاظ سیاسی فراز ونشیب هایی زیاد کشور را به انزوا کشید و به تعقیب آن حرکاتی ایجاد شد که یکباره سرنوشت این مرز وبوم را تغییر داد و حالا گام به گام، کشور به سوی ترقی و تکامل نزدیک می شود. انتخابات هجدهم میزان وشرکت وسیع مردم نشان داد که این مردم شایستگی آن را دارند که حکومتی برمبنای دموکراسی ایجاد کنند، از لجاجت وتعصب و انحصار طلبی دست بردارند. گرچه بعضی ها این انتخابات را صادقانه و مبتنی بر اصول دموکراسی نمی دانند ولی نباید فراموش کرد که حضور گستردهٔ مردم در حوزه های انتخاباتی بسیاری از حقایق را روشن می کند وخط ماجرا جویان وبهانه پردازان را مشخص می سازد. مردم با کمال اطمینان به پای صندوق های رأی رفتند وکاندیدای مورد نظر خود را انتخاب کردند.

اکنون بیش از همه این موضوع قابل دقت وبررسی است که افغانستان در حال حاضر گرفتار مسائل بسیار چالش انگیز است که درایت وکفایت خاصی را از رئیس جمهور منتخب می خواهد. اگر رئیس جمهور از برابر این مسائل با دیدی سطحی بگذرد بیم آن می رود که چالش هایی زیاد در مقابل دولت نو پای او سبز کند و باری دیگر کشور دچار مخمصه گردد وبه گردابی انداخته شود که امنیت وثبات سیاسی موجود زیر سوال برود. به هر حال این مسائل را از چند جهت می توان مورد بررسی قرار داد:

۱ــ موقف بین المللی افغانستان: افغانستان اکنون از موقف سیاسی وبین المللی خوبی برخوردار است حفظ این موقف اولین واساسی ترین وظیفهٔ دولت منتخب مردم است؛ زیرا ثبات سیاسی، امنیت ملی و استقرار حاکمیت دولتی تا حدود زیادی به این موقف بستگی دارد چنانچه این موقف متزلزل شود، پایه های حاکمیت وامنیت نیز لرزان می گردد وبا خطرات جدی مواجه می شود.

۲ــ حضور نیروهای خارجی: این موضوع نیز از موضوعات قابل دقت و بررسی است. اکنون هزاران نیروی

> **اگر رئیس جمهور از برابر این مسائل با دیدی سطحی بگذرد بیم آن می رود که چالش هایی زیاد در مقابل دولت نو پای او سبز کند و باری دیگر کشور دچار مخمصه گردد وبه گردابی انداخته شود که امنیت وثبات سیاسی موجود زیر سوال برود**

خارجی در افغانستان وجود دارند. گر چه حضور این نیروها بر اساس موافقت نامهٔ بن و با راهکارهای معین و مشخص صورت گرفته است، ولی نباید از ذهن دور داشت که وجود اینان چه در داخل کشور وچه در میان کشورهای منطقه حس بد بینی را ایجاد نموده وحساسیت های منفی را به وجود می آورد. چنانچه در روزهای نخست ورود این نیروها بسیاری از کشورهای منطقه احساس خطر نموده وپیمان های نظامی عقد نمودند تا آمادگی دفاعی داشته باشند. در داخل هم وقتی که شخص اول کشور با پاسداران خارجی در انظار عمومی ظاهر گردید، بدبینی مردم نسبت به آن بیشتر شد وخوراک تبلیغاتی منفی باف ها فراهم آمد. هر چند شرایط فعلی افغانستان حضور نیروهای خارجی را ایجاب می کند اما رئیس جمهور باید این موضوع را با تأمل کامل حل نماید وبا تقویه وتنظیم اردوی ملی زمینهٔ اخراج خارجی ها را فراهم نماید وگر نه احتمال واکنش های منفی در داخل وخارج رو به افزایش است و در این صورت افغانستان موقف منطقه یی خود را از دست خواهد داد.

۳ـ مشکلات طبیعی : مشکلاتی که در سال های اخیر درکشور بروز کرده واکنون به صورت یک معضل اجتماعی درآمده خشکسالی، نبود شغل، نداشتن مسکن وده ها مسائل دیگر است که برای حل آن به یک سلسله اقدامات عملی ضرورت است. و گذشته از آن بسیاری از مناطق دور دست در اثر کم توجهی حکام گذشته در محرومیت کامل قرار دارد، دولت آینده باید برای رفع این مشکلات ومحرومیت ها طرح وپلان وسیعی را در نظر بگیرد تا مردم از این معضلات اجتماعی نجات پیدا کنند. اینها همه مواردی اند که بستگی به درایت وبصیرت رئیس جمهور دارد که چگونه این پیچیدگی ها را حل می نماید اگر در بارهٔ حل آنها توجه صورت نگیرد حکومت آینده با چالش های جدی روبه رو خواهد شد.

مصوبهٔ شورای سراسری ...

۳- شورای علمای افغانستان از مقامات مسؤول جمهوری اسلامی افغانستان، می خواهد تا با درنظر داشت ارزش های مطرح شده در قانون اساسی در ارتباط ازدیاد مضامین دینی و ثقافت اسلامی در مکاتب و مؤسسات تعلیمی ، و پوهنتون ها و استخدام معلمان و استادان که از علوم دینی آگاهی داشته باشند و رعایت حجاب شرعی در مراکز تعلیمی و تحصیلی و ادارات دولتی، و تأسیس مدارس دینی در ولایات و ولسوالی ها، توجه مبذول نمایند.

۴- امنیت رکن اساسی آسایش و رفاه اجتماعی می باشد و در دین مقدس اسلام تأکید جدی بر تأمین امنیت جامعهٔ اسلامی، صورت گرفته و آن را از وظایف و مسؤولیت های دولت دانسته است. لهذا ما از دولت منتخب جمهوری اسلامی افغانستان خواستاریم ضمن این که به جمع آوری سلاح می پردازد، برای تهیهٔ طرح تفاهم ملی با جناح های سیاسی مختلف کشور، در راستای ایجاد امنیت باثبات و پایدار، اقدام نماید.

۵- مسکرات و مخدرات که در رأس آن شراب قرار دارد زایل کنندهٔ عقل بشری بوده و در شریعت مقدس اسلام ناجایز دانسته شده است، بناءً از مسؤولان جمهوری اسلامی افغانستان یک بار دیگر اکیداً تقاضا می نماییم تا از تورید ، تولید، خرید و فروش، نگهداشت، قاچاق و استعمال آن، جداً جلوگیری به عمل آورد.

۶- دولت به منظور جلوگیری از کشت خشخاش باید تدابیر اساسی وقابل تطبیق اتخاذ نماید، و از پاشیدن ادویهٔ نابود کننده یی که ضرر جانبی به انسان ها ، مواشی ، اشجار و غیره دارد، جداً اجتناب شود.

۷- گروگان گیری و اختطاف انسان اعم از کلان سالان و خردسالان، خلاف شریعت اسلامی بوده ضمن این که شورای علما تلاش های مقامات امنیتی را در مورد رهایی سه تن گروگان های ملل متحد ، تمجید می نماید و خواستار آن است تا در آینده از اقدام به چنین عمل ضد اسلامی و بشری، و عنعنات افغانی، جداً خودداری شود.

۸- چون در این اواخر مراکز نشراتی دولتی و غیردولتی از قبیل تلویزیون ها ، سینماها، و چینل های کیبلی در مرکز و ولایات رو به ازدیاد بوده و عمدتاً افلام مبتذل و مخالف شریعت اسلامی و عنعنات ملی ما که افساد کنندهٔ اخلاق جامعه وبخصوص جوانان و نو جوانان است پخش می کنند که به طور نمونه می توان از تلویزیون "طلوع" نام برد، و بعضاً نشرات خود را به قانون مطبوعات مستند می سازند، لهذا شورای علما خواستار جلوگیری همچو نشرات و تجدید نظر بر قانون مطبوعات مطابق مادهٔ سوم قانون اساسی می باشد.

۱۰- ملت از فساد اداری و رشوت ستانی به ستوه آمده و هر روز این پدیدهٔ نا میمون رو به افزایش است، لهذا شورای علما از مقامات مسؤول می خواهد تا با فساد اداری و رشوت ستانی مبارزهٔ عملی نمایند.

۱۱- برای تنظیم بهتر امور عمرانی کشور به شکل متوازن و صرفه جویی از مصارف بی مورد مؤسسات غیر دولتی، شورای علما از دولت تقاضا می نماید تا برکار و نحوهٔ مصارف انجوها نظارت و کنترول دقیق نماید.

۱۲- شورای علمای افغانستان یک بار دیگر اکیداً از دولت جمهوری اسلامی افغانستان خواهش می نماید تا قوت های حافظ صلح از گرفتاری خودسرانهٔ افغانها، و تعذیب و شکنجهٔ اشخاص گرفتارشده بپرهیزند، و در این مورد قانون اساسی کشور، عنعنات افغانی و احساسات مردم ما و دساتیر سازمان حقوق بشر را در نظر بگیرند.

و السلام

بقیه از صفحه ۵

دموکراسی

فهم و برداشت از دموکراسی در تمامی جوامع الگوی واحدی ندارد؛ زیرا شاخصه های آن در جوامع مختلف از لحاظ فرهنگی، روابط اجتماعی واقتصادی اصول ایدئولوژیک اخلاقی وحتی تاریخ جوامع متفاوتند. از این رو دموکراسی از یک جامعه تا جامعه یی دیگر فرق دارد. و امروزه تقریباً هرکسی در دنیا به دموکراسی مطابق به شرایط فرهنگی کمونیست ها، فاشیست ها و... اعتقاد دارد. چنانچه بنیتو موسولینی پایه گذار و رهبر حزب فاشیست ایتالیا می گوید:

"برای نخستین بار درتاریخ، هیچ آموزه یی به عنوان آموزهٔ ضد دموکراتیک ارائه نمی شود. اغلب اوقات دیگرانند که به عمل یا نگرش ضد دموکراتیک متهم می شوند. ولی سیاست مداران حرفه یی ونظریه پردازان سیاسی متفقاً برعنصر دموکراتیک در نهادهای مورد پیشتیبانی ونظریه های مورد تبلیغ شان تأکید می کنند. پذیرش دموکراسی به عنوان والاترین شکل سازمان سیاسی یا اجتماعی، نشانهٔ توافق اساسی در هدف های نهایی نهادهای سیاسی و اجتماعی مدرن است... فاشیسم ایتالیا تحقق دموکراسی راستین است".

هم چنان جوزف گوبلز سیاستمدار و وزیر اطلاعات وتبلیغات آلمان نازی می گوید: " زیر لوای ناسیونالی سوسیالیسم، آلمان به عالی ترین شکل دولت دموکراتیک مدرن بدل شده است ، ویا می گوید: دموکراسی های توده یی در مقایسه با دموکراسی پارلمانی بود وروایی قدیم ، اشکال جدیدتر ووالاتری از دموکراسی به شمار می رود " (۵)

ناگفته نباید گذاشت که دموکراسی با آنهمه محسنات وجاذبه هایی که دراد خالی از اشکال هم نیست وشاخصه های دموکراسی از نظر تیوری خیلی خوب است ولی بدبختانه نه در انتخاب فرمانروا نه در قضاوت در کار او نه در عزل او در وقت خطا کردن.... کاملا عملی نیستند در انتخابات اکثریت مطلق جامعه نمی دانند به چه کسی رأی می دهند، حتی یک کاندیدای گمنام که قبل از انتخابات اسم وی به گوش کسی نرسیده می بینیم چند میلیون رأی می آورد.

پس انتخاب در تاریکی صورت می گیرد، یعنی آدم بدون این که خبر داشته باشد به کی رأی می دهد وچگونه آدمی است.

بنابراین از اول سنگ بنا کج گذاشته شده ومردم بعد از کار انتخابات همه بر سر کار خود برگشته وفرد منتخب خود می داند چه کاری می کند ونظارتی هم از طرف مردم نیست .

دموکراسی ظاهراً راه حل خوبی برای حکومت کردن است وجاذبه های زیادی دارد ولی در عمل هیچ حکومت دموکراسی وجود ندارد. اصلاً، آیا امکان دارد در جوامع با جمعیت زیاد، انسان ها واقعا کاندیداها را بشناسند بعد از شناسایی به او رأی دهند وبعد هم در کار ها نظارت داشته باشند؟

دموکراسی به صورت نسبی در مقابل دولت های دیگر بهتر است ولی ایراداتی زیاد دارد. یکی از ایراد ها این است:

دموکراسی گرایش به ریاکاری دارد. زیرا در دموکراسی کلیه منتخبان (اعم از وکلای پارلمان ، رئیس جمهور ، صدر اعظم) می دانند که اگر مردم به آنها رأی دهند به مسند قدرت خواهند رسید وتنها برای رسیدن به رأی مردم آنها را فریب می دهند.

زیرا هرگز نمی توان همه افراد جامعه را راضی کرد ، چون منافع با همه تعارض دارد. واگر امکانات گروهی را افزایش دهیم باید از امکانات گروه دیگر کم کنیم . ولی منتخبان وآنهایی که قصد رأی آوردن را دارند نمی خواهند گروهی را از دست بدهند حرف هایی می زنند که همه را خوش بیاید وخودشان هم می دانند که این وعده ها عملی شدنی نیست مانند : ما حکومت عادلانه بر قرار خواهیم کرد، هدف ما رفع تبعیض است .... پس حکومت دموکراسی با ریا وظاهر فریبی آلوده است ، در این سیستم هر کس عدهٔ بیشتری را به اثر تبلیغات فریب دهد موفق تر است وبه هدف خود خواهد رسید.

به این ترتیب این هم از نارسائیهایی ها این سیستم است که در دنیا بسیار شایع است ولی در مقایسه با سیستم های دیگر منطقی تر ومعقول تر به نظر می رسد.

پی نوشتها :

۱ـ عظیمی ، محمد اکرم . بررسی رابطه دین و دموکراسی . (تهران : بیطرفان)، ۱۳۸۱ ـ ص ۱۵ .
۲ــ عالم ، عبد الرحمان ، تاریخ فلسفه سیاسی . (تهران : انتشارات وزارت امور خارجه) ۱۳۷۶ ـ ص ۶۹.
۳ــ بشریه ، حسین : درسهای دموکراسی برای همه . (تهران : موسسه پژوهشی نگاه معاصر) ۱۳۸۰ ـ ص ۵۳.
۴ـ عظیمی ، پیشین .
۵. ـ رنـــی ، آستینی ، حکومت : آشنایی با علم سیاست ، ترجمه کالامساز گار ، (تهران : مرکز نشر دانشگاهی) ۱۳۷۴ ـ ص ۱۳۶.

موقف اسلام در برابر استبداد

نویسنده : دکتر وهبه الزحیلی
برگرداننده : سید ناصر تقدسی

نظام حکومت در اسلام بر بنیاد مسؤولیت پذیری وپاسخ گویی در برابر ملت ومردم بنا یافته است ودین در سایۀ عدل ومساوات با بیداد وبیدادگران به مبارزه برخاسته است، وبا تمام اشکال ظلم واستبداد وسلطه جویی وبازی بر سرنوشت امت ها وملت ها وبا همه انواع اختناق، ترور، گرفتاری های غیر قانونی وشکنجه راه مخالفت در پیش دارد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید : "همۀ تان پاسبانید، و در برابر زیر دستان خود مسؤولید ، وامام - فرمانروا - پاسبان است ودر برابر رعیت خود مسؤولیت دارد."(۱)

در روز گاران پیامبران پیشین دو الگوی برجسته از بیداد وستم و استبداد به چشم می خورد:

اول - نظام طاغوتی فرعون . او دعوای الوهیت می کرد ومردم را به بردگی وذلت واحتقار واسارت کشانده بود، اورا به انکار رسالت موسی، جز فخر فروشی به قدرت و جبروت ومباهات به پادشاهی در سرزمین پهناور مصر ، چیزی دیگر وسیله نشده بود،فرعون به افتخار می گفت : "آیا پادشاهی مصر از آن من نیست ، واین نهر ها تحت فرمان من جریان ندارد؟!"(۲)

وزمانی که حضرت موسی علیه السلام آمد وبه آرامی از وی خواست که خودش را پاکیزه کند وادعای نادرست ومسخره آمیز الوهیت را ترک بگوید او به مردم تحت ستم مصر گفت: "... ای جمعیت اشراف ! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم..."(۳). وآنگاه که موسی از وی خواست به دین خدای عالمیان در آید وبه او ایمان بیاورد: "فرعون گفت: پروردگار عالمیان چیست

- موسی - گفت: پروردگار اسمان ها وزمین وآنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین هستید. - فرعون - به اطرافیانش گفت: آیا نمی شنوید؟! - موسی - گفت : او پروردگار شما وپروردگار نیاکان شماست. - فرعون - گفت: پیامبری که به سوی شما فرستاده مسلماً دیوانه است. - موسی - گفت : او پروردگار مشرق ومغرب وآنچه میان آن دو است می باشد، اگر شما عقل واندیشۀ خود را به کار می بستید."(۴)

بالآخره سرنوشت نهایی فرعون وارتش تا به دندان مسلح او غرق شدن به دریا بود : " ما او وهمراهانش را همه غرق کردیم."(۵). وپادشاهی بزرگ او برای دیگری قرار گرفت چنان که قرآن می فرماید: "چه بسیار باغها وچشمه ها از خود به جای گذاشتند . وزراعت ها وقصر های زیبا وگران قیمت . نعمت های فراوان دیگر که در آن بودند! . این چنین بود وما اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم. نه آسمان برآنان گریست ونه زمین ونه به آنها مهلتی داده شد."(۶)

دوم - نمرود پادشاه بیدادگر، مستبد وسرکش که به دام فریبای سلطۀ مطلق وقدرت نامشروع افتاد وخودش را به جای خدا مطرح کرد، وبه تحقیر مصلحان ودعوتگران پرداخت ودر مجادله با حضرت ابراهیم علیه السلام، با ادعای برخورداری ازحق میراندن وزنده نگه داشتن، به خون های مردم استهزا کرد وبی حرمتی روا داشت . داستان اورا خدا این گونه به تصویر کشیده است : "آیا ندیدی کسی که با ابراهیم در بارۀ پروردگارش محاجه وگفتگو کرد ؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود ، هنگامی که ابراهیم گفت : خدا آن کسی است که زنده می کند ومی میراند ، او گفت : من نیز زنده می کنم ومی میرانم..."(۷).

این طاغوت وحشی را بر این جدل

> **خدا حکومت وقدرت را به کسی ، برای سرکشی نمی دهد، بلکه قدرت وحکومت آزمون ومسؤولیت است.**

نادرستش در بارۀ خدا، تنها همین قدرت استبدادی وسلطه نامشروع ، جرأت بخشیده بود ! ومی گفت : من با عفو قاتل واصدار حکم اعدام ، از حق میراندن وزنده کردن برخوردارم، وچنین کاری به تصور او نشانۀ خدا تراشیدن خود در زمین ، وانکار از آفریدگارهستی است، او فراموش کرده بود که خدا حکومت وقدرت را به کسی ، برای سرکشی نمی دهد، بلکه قدرت وحکومت آزمون ومسؤولیت است.

حال همه مستبدان وفرمانروایان خود کامه چنین است که کرامت وحقوق انسان ها را زیر پا می کنند، در ساحۀ حاکمیت خود به فساد دست می زنند وآزادی مردم را سلب می نمایند : " پادشاهان - مستبدان - هنگامی که وارد منطقۀ آبادی شوند آن را به فساد وتباهی می کشند، وعزیزان آنجا را ذلیل می کنند ، کار آنان همین گونه است"(۸)

هشدار دین نسبت به پیامدهای استبداد

خداوند بزرگ ستمگران ومستکبران مستبد را به سخت ترین عذاب وسنگین ترین مجازات در دنیا وآخرت هشدار داده ومی فرماید : " وکسانی را که ستم کردند به عذابی زشت وخار کننده دچار کردیم ، چون فسق می کردند"(۹)

خداوند متعال تهدید می کند که اهل بیداد و ستمکاران به سرنوشت شوم ونکبت باری سوق خواهند شد، پروردگار می فرماید : " گمان مبر که خدا از آنچه ظالمان انجام می دهند، غافل است! عذاب آنها را برای روزی به تأخیر انداخته است که پلک چشم های شان از حرکت باز می ماند ، ودل های شان خالی می گردد."(۱۰)

سنت واحادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز از امارت و حکومت استبدادی مسلمانان را بر حذر می دارد، وفرمانروایان را به رعایت حقوق مردم متوجه می سازد، وبر این اندیشه که حکومت آقایی، بزرگ منشی وبهره جویی است خط بطلان می کشد، وتأکید می دارد که امارت وحکومت مسؤولیتی است بزرگ وتوان فرسا، اگر احراز کنندۀ آن به وجایب خود به گونه یی لازم عمل نکند، در واقع گناه بزرگی را مرتکب شده وخویشتن خود را به هلاکت رو به رو کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: "شما بر امارت، از می ورزید، واین کار مایۀ پشیمانی تان در روز رستاخیز خواهد شد ..."(۱۱)

از همین رو است که اسلام به امرا وفرمانروایان امر کرده است که عادل و

> **امارت وحکومت مسؤولیتی است بزرگ وتوان فرسا، اگر احراز کنندۀ آن به وجایب خود به گونه یی لازم عمل نکند، در واقع گناه بزرگی را مرتکب شده وخویشتن خود را به هلاکت رو به رو کرده است.**

داد گر باشند واز هرگونه ظلم وعملی که شایبۀ بیداد در آن محتمل باشد بپرهیزند، در غیر آن دچار عذاب خواهند شد، در حدیثی رسول خدا می فرماید : "امیر وفرمانده هر قوم در روز باز پرس ، بازنجیر وزولانه آورده می شود، وجز عدل وداد گستری ، وی را از این زولانه رها کرده نمی تواند"(۱۲)

این محکومیت تنها به فرمانروای مستبد وخود کامه خلاصه نمی شود بلکه همه انواع استکبار . استبداد وسرکشی را فرا می گیرد وخود کامگان هر عرصه یی را فرماندهان دوزخ می خواند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: "سه کسی که ازهمه اول تروارد دوزخ می شوند، برایم پیشکش شدند: امیر سلطه جو ومستبد، ثروت مندی که حق الهی در مال خود (زکات) را نمی پردازد وفقیری که بسیار فخر کننده است" (۱۳)

در این حدیث الگوی نخست استبداد سیاسی ، الگوی دوم هیولای مرزناشناس سرمایه داری والگوی سوم یعنی فقیر فخر کننده خدمه های بی خاصیت هردو نظام مستبد وسرمایه دار را به نمایش می نشیند ، خدمه هایی که در رکاب مستکبران وثروت مندان اسراف گر حرکت می کنند، خود چیزی ندارند، ولی به وجود باداران ظالم وخدا نا ترس خود می بالند ومباهات می نمایند.

بخاری ومسلم از حارثه فرزند وهب روایت می کند که او گفت : شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم می گفت: "آیا شمارا از اهل جهنم آگاه نسازم: هر کینه توز وبزرگ پرداز ومستکبر، اهل دوزخ است".

بدون تردید اگر بر این فساد اجتماعی واستبداد سیاسی، فساد دیگری از قبیل تملق ، نفاق چرب زبانی وفرصت طلبی علاوه گردد. فساد عمومیت می یابد ومغز واستخوان جامعه را آفت زده وبیمار می سازد.

از عوف فرزند مالک روایت است که گفت : شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می گفت : "من بر امت خویش از سه کار می هراسم : خطا وزلت عالم ، حکومت ظالم ومستبد وپیروی خواهشات نفس"(۱۴)

طبرانی از نافع روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود : " مسکین مستکبر ، پیر مرد زانی ومنت گزار بر خدای متعال نسب به عملی که انجام می دهد ، داخل جنت نمی گردد . مسکین مستکبر کسی است که خود ارزشی ندارد، اما به علت وابستگی به دیگران تکبر ، فخروشی وبزرگ منشی می نماید.

نا مهربانی، خشونت و سخت گیری امیر و فرمان روا در برابر ملت و رعیت عادتاً استبداد و خود محوری را در پی دارد، واز همین جهت است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم مسلمانان را از این روش نفرت آور می هراساند، از حضرت عایشه روایت است که گفت : از رسول خدا شنیدم که می فرمود: "ای بار خدایا! کسی که فرمانروای امتم می شود وبر آنها سخت می گیرد ، تو هم بر او سخت بگیر و کسی که فرمان روای امتم می شود و با آنان مهربانی می کند، با او مهربانی ونرمی بفرما."(۱۵)

بد ترین اعمال امرا وفرمانرواها پنهان شدن از انظار مردم وبی توجهی به نیازمندی های آنان است ، از عمرو فرزند مره روایت شده که او معاویه را گفت: از رسول خدا شنیدم که می گفت: " کسی که زمام امور مسلمانان را به دست می گیرد، ولی از آنان خود را مخفی می کند، به نیاز ها، ضرورت ها وفقر آنان توجه نمی نماید، خداوند در روز رستاخیز، خود راز وی پوشیده می سازد وبه نیازمندی وفقر وضرورتش رسیدگی نخواهد کرد."(۱۶)

خیانت فرمانده وحاکم در برابر آرمان مردم، قیامت کلان است ، چنان که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: "هیچ بنده یی نیست که خدا مسؤولیت زیر دستانی را به او می دهد، اما او در حق آنان خیانت می ورزد ، مگر خدا جنت را بروی حرام می گرداند."(۱۷)

کوتاه سخن این که اسلام علیه تمام مظاهر استبداد ، سلطه جویی وستمگری اعلام جنگ کرده است ، وهمه راه ها ووسایل منتهی به استبداد را مسدود کرده واز بین برده است ، چون استبداد بیماری مزمن حکومت است.

رویکردها:

۱- به روایت بخاری ومسلم
۲- سوره زخرف آیه ۵۱
۳- سوره قصص آیه ۳۸
۴- سوره شعراء آیه های ۲۳ - ۲۸
۵- سوره اسراء آیه ۱۰۳
۶- سوره دخان آیه های ۲۵ - ۲۹
۷- سوره بقره آیه ۲۵۸
۸ - سوره نمل آیه ۳۴
۹- سوره نمل آیه ۳۴
۱۰- سوره ابراهیم آیه های ۴۲ - ۴۳
۱۱- به روایت بخاری ومسلم
۱۲- به روایت احمد و بزاز
۱۳- به روایت ابن خزیمه وابن حبان
۱۴- به روایت طبری و بزاز
۱۵- به روایت مسلم و نسایی
۱۶- به روایت ابو داود و ترمذی
۱۷- به روایت بخاری ومسلم

سه انتخابات در ...

شیعیان هیچ زمانی مانند حالا خود را به تصاحب قدرت دولتی در عراق نزدیک نیافته بودند و می خواهند با قدم های سنجیده و حساب شده از این فرصت به شکل مطلوب استفاده نمایند. در قیام هواداران مقتدا صدر علیه امریکایی ها در نجف، آیت الله سیستانی آب به روی این آتش ریخت و شیعیان امتیاز دیگری به امریکا دادند. اکنون نوبت امریکاست تا به شیعیان امتیاز بدهد و از خواست آنان برای تدویر انتخابات حمایت نماید.

اگر این انتخابات در موعد پیش بینی شده تدویر یابد، بروز تنش مذهبی میان شیعه و سنی به دور از انتظار نیست و شاید خواست خارجیان نیز همین باشد.

و اما در فلسطین پس از مرگ مرموز یاسرعرفات، قرار است انتخابات برای تعیین رهبر جدید در اوایل سال عیسوی جاری صورت گیرد. به نظر می رسد که رهبران نسل جدید فلسطینی در صددند تا نرمش بیشتری در برابر اسرائیل نشان دهند. محمود عباس یکی از رهبرانی که در میان مردم فلسطین از محبوبیت چندانی برخوردار نیست تاکنون به عنوان یگانه کاندیدا معرفی شده است و اسرائیل و امریکا از این انتخابات حمایت نموده اند.

هرچند مروان برغوثی یکی دیگر از رهبران سازمان فتح که در زندان اسرائیل به سر می برد از حمایت مردمی گسترده بخصوص در میان نسل جوان فلسطین برخوردار است اما وی ظاهرا به دلیل این که نمی خواهد در صف فلسطینی ها اختلاف ایجاد شود، از نامزدی خود منصرف شد.

رهبری سازمان فتح در صدد است تا مشکلات خود با اسرائیل را حل کند و شاید از خواست اصلی فلسطینی ها که تا کنون می خواستند بیت المقدس پایتخت دولت فلسطین باشد نیز صرف نظر نماید. تا کنون یاسرعرفات به عنوان یک رهبر قدرتمند، توانسته بود گرایش های مختلف سیاسی در میان فلسطینی ها را با هم تا حد زیادی متحد نگهدارد. اما در مورد این که چنین کاری از محمود عباس نیز ساخته باشد، تردید وجود دارد. اگر محمود عباس در معامله با اسرائیل نتواند اعتماد ملت خود را جلب نماید، دودستگی ایدئولوژیک ابعاد وسیع تری به خود خواهد گرفت. نشانه هایی از این اختلاف از همین اکنون در موضع گیری های متفاوت میان جناح های مختلف فلسطینی به ملاحظه می رسد.

سه انتخاباتی که به آن اشاره شد، حداقل دارای یک وجه مشترک اند. هرسه به اختلاف میان جوامعی که در آن انتخابات صورت گرفته، منجر شده و یا خواهد شد.

در اوکراین انتخابات به اختلاف میان شرق و غرب این کشور منجر گردیده و زمینه را برای تجزیۀ کشور و شاید هم به پیوستن شرق کشور به روسیه فراهم آورده است. در عراق انتخابات به اختلاف مذهبی میان شیعه و سنی منجر خواهد گردید که نشانه هایی از آن از همین اکنون قابل رویت است. و سرانجام تدویر انتخابات در فلسطین، موجب کشیدگی های سیاسی نه تنها در میان جناح های مختلف فلسطینی خواهد شد بلکه جنبش فتح نیز از این اختلاف بی بهره نخواهد ماند.

آنانی که با اسرائیل کنار می آیند، با چالشی بزرگ از جانب تندروان مواجه خواهند شد. مهار تندروی ها نیاز به شدت عمل در برابر آنان دارد که خطر درگیری های داخلی را درقبال خواهد داشت. این سه انتخابات تکرار یک تجربه است. عوامل بحران در جوامع بحران زده و بی بهره از تجربه، لازم دموکراسی به حدی پیچیده و در عین حال متنوع است که تنها با انتخابات و بردن مردم به پای صندوق های رأی نمی توان به مشکلات فایق آمد و چه بسا که انتخابات به جای حل بحران، به تشدید بحران یا از هم بریدگی های جدید بینجامد.

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۳۳ | چهارشنبه ۱۱ قوس ۱۳۸۳ | ۱۹ شوال المکرم ۱۴۲۵ - | ۱ December ۲۰۰٤

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دخشخاشو له شر څخه دخلاصون وړاندیز

زکوخیل

په دې شپو ورځو کې د دله ییزو خبري رسنیو ترمنځ د کوکنارو (خشخاشو) او له هغې څخه د جوړو شویو نشه یي توکو په اړوند د خبرو اترو بازار تود دي.

په رښتیا هم د ولسمشری د ټولټاکنو وروسته د ټاکل شوي ولسمشر محترم حامد کرزي او دده د کابینې په وړاندې ډیره لویه ستونزه د خشخاشو کښت او له هغه څخه د نورو نیشه یي توکو تولید او قاچاق جوړوي. که څه هم ددې ناولي بوټي د ورکېدو او له منځه وړو په هیله د لنډ مهالي اداري او بیا د افغانستان انتقالي اسلامي دورو په موده کې ډیرې هلې ځلې وشوي، خو تر اوسه له دې هڅو په زړه پورې او ارزښتناکي پایلې نه دي تر لاسه شوي. کیداي شي په دې اړوند دنه پرمختګ عوامل هم له یوې خوا د ګران هېواد د پراخو پرګنو د خواري او غریبي لامل وي، د هېواد ډیره کې بزګران له یوې خوا د تیرو دوه نیمو لسیزو تپل شویو جګړو په لړ کې له مادي او معنوي پلوه لوټ شوي او هر څه یې له لاسه ورکړیدي. له بله پلوه ګران هېواد وال، په ځانګړې دول بزګران هم لکه د ځمکې د کرې تور اوسېدونکې ژوند ته اړتیا لري او د ژوند د دوام له پاره د ژوند ضروري شیانو ته اړ دي. له دې امله دوي د ژوند ورځینی اړتیاوې او ستونزې، د بل هر بوټي د کښت پرځاي د خشخاشو کښت او کرکیلې ته را کاږي اوهڅه کوی له دې لارې یو څه تر لاسه او خپلې ستونزې پرې هوارې کړي

له بله پلوه د څو پرله پسې وچ کالیو له امله د هېواد بزګران، خپل شوي او د اوبو د کمښت له یو لړ ستونزو او مشکلاتو سره لاس او ګریوان دي. د اوبو کمښت هم دوي دې ته اړ باسي، چې دهغه بوټو (نباتو) پرځاي، چې ډیرو اوبو ته اړتیا لري، د هغه بوټو له کښت څخه کته واخلي، چې لږې اوبه غواړي.

ددې له پاره، چې په راتلونکې کې دولت له یوې خوا له بزګرانو سره لازمه او پرځاي مرسته کړي وي او دوي یې نا هیلې کړي نه وي، ضروري بریښي، چې په هر اړخیزه توګه د هېواد له بزګرانو سره د لنډې او اوږدې مودې د مرستو یوه ستراتیژي جوړه او په عادلانه ډول د عمل په ډګر کې پلي شي، په دې معنا، چې دولت دهېواد له بزګرانو سره، چې د خشخاشو په کښت بوخت او له هغه څخه د نیشه یي توکو د تولید او قاچاق له لارې د ژوند اړتیا وي پوره کوي. ورته اصلاح شوي تخمونه، کمیاوي سرې، د نباتانو د ناروغیو دواګانې، ځینې ماشینونه او کرکیلې وسایل لکه تراکتور او نور برابر او د دوي په واک کې ورکړي، په اوږده موده کې د دوي د ځمکو د خړولوبو له پاره بندونه، ډنډونه، کاریزونه، نهرونه، ویالې جوړې اویا ورغورل شي.

ددې له پاره، چې د دوي د ژوند په اړتیاوو کې کمښت راغلي وي، د دوي له پاره په اړوند سیمو کې روغتیایي مرکزونه، ښوونځي او ځینې نورې ټول کتې ادراي جوړې شي، ترڅو له یوې خوا له بزګرانو سره په عملي ډګر کې مرسته شوي وي او له بله پلوه یې ستونزې او د ژوند اړتیاوې راکمې شوي وي.

دا هم څرګنده او روښانه ده، چې د افغانستان خلک مسلمان دي، اسلامي او دیني ارزښتونو ته ژور درناوي لري، د سر او مال په بیه له دې ارزښتونو ساتنه کوي، د اسلام د مقدس او سپیڅلي دین لارښوونې په خپل ټول توان عملي کوي. د توپک، ټانک او الوتکو څخه ډیره ویره نه لري. حکه د جګړې په کالونو کې یې له دې شیانو سره پنجه نرمه کړېده. لکه چې ورته اشاره وشوه افغانان مسلمان او پر اسلامي اساساتو ټینګه عقیده لري، له دې امله ددین د عالمانو، د جوماتونو د امامانو او خطیبانو دیني، مذهبي او وطني دنده ده، چې د اسلام د مقدس دین د ارزښتونو له مخې زمونږ هغه هېوادوال، چې د حرامي او اسلامي لارښونو له مخې له منع شوي لارې رزق تر لاسه کوي، په دې وپوهوي، چې له دې ناروا لارې څخه د روزي یا رزق تر لاسه کول، حرام او د اسلام د مبارک دین د اساساتو له مخې منع او مردود ګڼل شویدي.

کیداي شي د یوه پراخ او رښتیني تبلیغاتي کمپاین په پایله کې د دې امکان رامنځ ته شي، چې ددې ناولي بوټي له شر څخه زمونږ ګران هېوادوال په امان پاتي شي.

و من الله التوفیق

سه انتخابات در یک نگاه

وحید مژده

در طول دو هفته یی که گذشت، جهان شاهد تدویر یک انتخابات جنجالی در اوکراین و اعلام تاریخ تدویر دو انتخابات مهم دیگر در سال آینده بود. در اوکراین انتخابات برگزار گردید و در عراق و فلسطین تاریخ انتخابات که قرار است در آغاز سال آینده، مسیحی برگزار گردد، اعلام شد. از اوکراین آغاز کنیم که اعلام نتایج انتخابات، این کشور را در خطر تجزیه قرار داده است. در انتخابات این کشور دو کاندیدای مهم در برابر هم قرار گرفتند، ویکتور یاشینکو رهبر مخالفان دولت به مصاف ویکتور یانکویچ صدراعظم این کشور رفت.

اعلام نتایج انتخابات که در آن پیروزی ویکتور یانکویچ را با فیصدی اندک در برابر یاشینکو نشان می داد، موج عظیمی از تظاهرات را در این کشور موجب گردید. مردم با وجود هوای سرد و برف باری شدید، به خیابان ها ریختند و خواهان لغو نتایج انتخابات و تدویر انتخابات جدید گردیدند. اکثریت مردم به این باورند که در این انتخابات تقلب گسترده یی به نفع صدراعظم یانکویچ صورت گرفته است. این موضوع را ناظران بین المللی نیز تآیید کرده اند.

این انتخابات، جمهوری اوکراین را در معرض تهدید یک جنگ داخلی قرار داد: زیرا یکی از دوکاندیدا یعنی ویکتور یانکویچ در شرق و ویکتور یاشینکو در غرب کشور به اکثریت آرای مردم دست یافتند. دولت در برابر موج گسترده، تظاهرات و فشار های بین المللی مجبور به عقب نشینی گردید. لیونید کوچما رئیس جمهور که از صدراعظم حمایت کرده بود کشور های خارجی را به مداخله در امور داخلی اوکراین متهم کرد، و تلاش ها برای یافتن راه بیرون رفت از این معضله آغاز گردید.

یک راه این بود که در قانون اساسی کشور تغییراتی وارد آید و به صدراعظم صلاحیت بیشتر تفویض گردد. یانکویچ رئیس جمهور و یاشینکو صدراعظم تعیین گردد تا وحدت ملی اوکراین تامین شود. این پیشنهاد از طرف مردم و رهبر مخالفان رد شد. یاشینکو از طرفداران خود خواست تا جاده ها و میدان های هوایی را مسدود کنند و به تظاهرات ادامه دهند.

> **شیعیان هرچند در عراق در اکثریت قرار دارند اما قدرت در این کشور تا کنون در انحصار اقلیت سنی بوده است**

برتری یاسینکو بر یانکویچ در این است که وی از حمایت گسترده، مردم در پایتخت برخوردار است و از این حمایت به عنوان یک وسیله، مهم برای فشار بر دولت استفاده کرد، اما یانکویچ و طرفدارانش تهدید کرده اند که اگر نتیجه، انتخابات باطل اعلام شود، مسألهٔ خودمختاری بخش شرقی کشور از اوکراین را به همه پرسی خواهند گذاشت.

پارلمان اوکراین نیز در عکس العمل به فشار های مردمی جانب مردم را گرفت و خواهان تجدید انتخابات شد. هرچند این فیصله حتمی نیست اما موفقیت دیگری برای طرفداران یاشینکو به شمار می آید. در عین حال دادگاه عالی اوکراین نیز بحث روی اعتراضات مخالفان را آغاز نمود. از روند اوضاع چنین برمی آید که اوکراین راهی جز تجدید انتخابات ندارد، اما آیا تجدید انتخابات به حل مشکل کمک خواهد کرد؟

در عراق پس از عملیات نیرو های امریکایی در فلوجه، دولت این کشور اعلام نمود که شرایط برای انتخابات پارلمانی در اوایل سال آینده مساعد است. جورج بوش رئیس جمهور امریکا نیز از برگزاری انتخابات در موعد مقرر آن در عراق جانبداری کرد اما اختلاف بر سر میعاد انتخابات، از همین اکنون مردم را دچار اختلاف بر بنیاد مذهب نموده است.

احزاب شیعه از انتخابات در موعد مقرر آن پشتیبانی می کنند در حالی که احزاب سنی خواهان تأخیر انتخابات اند.

سنی ها به این باورند که اکثریت مردم سنی مذهب، به علت شرایط خاص حاکم بر عراق از شرکت در انتخابات خودداری خواهند ورزید و تنها شیعیان در این انتخابات شرکت خواهند کرد. این حالت، عراق را در یک دوپارچگی قرار خواهد داد بخصوص که در جریان حمله، نیرو های امریکایی بر فلوجه، مراجع تقلید شیعه خاموشانه نظاره گر اوضاع بودند.

شیعیان هرچند در عراق در اکثریت قرار دارند اما قدرت در این کشور تا کنون در انحصار اقلیت سنی بوده است. ص۷

افغانان له خپلو ...

زمونږ هیله داده چې دنړیوال ائتلاف خواکونه باید د افغانانو عقیدوي او فرهنګي ارزښتونه تل په پام کې ونیسي او داسي کار ونه کړي چې له کتې څخه ئې زیان ورته دیر زیات وي.

دافغان دولت له اړوندو پوځي او حقوقي ارګانونو له ملګرتیا او اجازې پرته موږ د ائتلافي خواکونو دغه راز خپلواک عملیات دخپلي واکمني دحیثیت لپاره په تاوان بولو او هیله من یوو چې دالقاعده او ترهګرو دموندلو او یا نیولو په عملیاتو کې د سیمې له امنیتي خواکونو ملګرتیا ورسره وي ا و دسیمې مشران هم په جریان کې وي ترڅو د هر دول اشتباه مخه ونیول شي او عملیات نتیجه ورکړي.

موږ باور لرو چې دنړیوال ائتلاف خواکونه به هغه وخت ژر د القاعده او ترهګرو په له منځه وړلو بریالي شي چې د افغانستان د کلیو او باندو دخلکو د باور او پراخه ملاتړ څخه برخمن وي، له خلکو سره د زور او خشونت پرځاي له مهرباني او احسان نه کار واخلي، دخلکو عقیدو او دودونو ته د احترام سرتیت کړي او دخپل دغه راز چلند له مخې خلک په دې داده کړي چې دوي د دې هیواد د امنیت او ثبات د دې هیواد دسمسورتیا او آبادي او بالآخره دیو خپلواک په خان متکي او پیاوړي افغانستان د جوړولو په خاطر دلته راغلي دي نه دخلکو په عقیدوي او فرهنګي ارزښتونو باندې د یرغل او تیرې لپاره.

قدر دانی از قهرمانان جهاد و مقاومت و ...

برای انتخابات پارلمانی آمادگی بگیرند تا در صورت انتخاب به حیث نمایندهٔ مردم وعضویت در ولسی جرگه، از یک طرف ادعای نمایندگی شان به واقعیت بپیوندد. و از سوی دیگر با داشتن صلاحیت تأیید و رد وزرا به هدف اصلی شان نیز نایل گردند. در آن صورت است که هم خواهند توانست از عضویت افراد نامطلوب(به زعم آنان) در کابینه جلوگیری نمایند و همچنین ادعای شان مبنی بر داشتن نمایندگی از مردم به کرسی خواهد نشست.

برای تثبیت ادعای نمایندگی مردم ناگزیریم که حد اقل تا بهار آینده منتظر بمانیم ولی آنچه که کاملاً واضح، روشن ومبرهن است، داشتن یک سمت و یا مقام حزبی می باشد. هرگاه رسانه ها کسی را به حیث معاون فلان حزب معرفی نمایند و یا خود یک شخص چنین ادعایی کرده و یا خود را معرفی داشته باشد پس بدون زحمت انتظار و به صورت قطع می توان گفت که این خبر و یا ادعا صحت دارد و یا خیر؟

و کافی خواهد بود تا نظر رهبری و یا سخنگوی حزب مورد نظر را در مورد جویا شد که چنین شده است...

آرمان شهدای ملت ما ...

جای مسرت است که امروز چهره هایی بشاش از خواهران وبرادرانی را که دیروز در کوه ها و در زیر بم وتوپ، در شرایط نا به سامان کشور در داخل ودر دیار هجرت به مقابل دشمنان سفاک دست و پنجه نرم کردند، می بینیم.

امیدواریم که آرمان شهدای ملت پا برهنه که در دامنهٔ کوه ها و دشت ها در راه آزادی وطن جان باختند از طریق این نظام وقانون اساسی که به تصویب رسید تحقق یابد. وهمه مسؤولیت های خود را به خوبی انجام دهیم.

والی پیشین هرات با ابراز سپاس از حاضران مجلس گفت : تمنا می برم که بعد از این بیشتر فرصتی باشد که با حضور، صحبت و مفکورهٔ شما بتوانیم مسؤولیت های خود را در برابر شهدا، معلولان وپا برهنه هایی که در نیمه های شب ودر دل کوه ها الله اکبر گفتند وکشور را آزادی بخشیدند ، ادا نماییم.

نمایندگان اهالی کابل که در این دعوت اشتراک داشتند با اسماعیل خان اعلام همکاری نمودند ومجلس در فضای صمیمیت و اخوت پایان یافت.